

توطئه هفتم امریکاعلیه انقلاب

آغاز شده است

نامه
مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۷
چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۹ صفر ۱۴۰۱، به: ۱۵ ریال

تساکون دو مرحله از تسارک وسیع امپریالیسم امریکا برای اجرای توطئه هفتم آغاز شده و مرحله سوم آن در آستانه اجرا است.

رویدادهای هفته‌های اخیر شباهت عجیبی با حوادث روزهای قبل از تهاجم طبس و کودتای نوزده دارد.

علمی از اوضاع کشور، آن را پیش‌بینی کرده، مدتی است که آغاز شده است.

مرور آنچه که در لحظات کنونی در مین ما می‌گذرد، در مقایسه آن با جوی که پیش از

«پس از درهم شکستن توطئه ششم امریکا، توطئه هفتم این دشمن شماره یک انقلاب ایران و همه محرومان جهان با دامنه‌های وسیع‌تر و شدتی به مراتب زیاده‌تر وارد مرحله عمل خواهد گردید».

(رفیق نورالدین کیانوری - ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹، نامه «مردم» - ۱۴ آبان ۱۳۵۹)

اکنون باید گفت که تسارک وسیع امپریالیسم امریکا، برای اجرای توطئه هفتمی که دیربازول کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۲۳ روز بعد از توطئه ششم امپریالیسم امریکا، برسرینیا د شناخت علمی حزب توده ایران از عملکرد امپریالیسم و تحلیل

غیاری که این بار با دامنه‌های وسیع‌تر از همیشه پریا شده است، امپریالیسم خونخوار امریکا در کار توطئه‌های جنایتکارانه برای نابودی انقلاب و سرنگونی

توطئه‌های شکنجه قلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طبس و کودتای نوزده در ایران وجود داشت، کمترین تردیدی باقی نمی‌گذارد که در پشت پرده

به پشتیبانی از امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در راه پیمائی روز پنجشنبه ۲۷ آذرماه ۵۹ شرکت کنیم

کمیته مرکزی حزب توده ایران اعضاء و هواداران حزب و همه نیروهای انقلابی و میهن‌دوست را فرا میخواند که با شرکت فعال و وسیع خود در راه پیمائی ۲۷ آذر ۵۹ در سراسر کشور، باز دیگر پشتیبانی خود را از امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، از تعمیق انقلاب ۲۲ بهمن و گسترش مبارزه بر ضد امپریالیسم، سرگردگی امریکا، اعلام دارند.

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۹ ر ۴۵

شده امپریالیستی و مردمی ایران هواداری کرده و میکند و در افضای توطئه‌های شیطانی امپریالیسم امریکا برای سرکوب انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران شرکت فعال داشته و دارد، رویدادهای تحریک‌آمیز هفته‌های اخیر را بعنوان پیش‌درآمدی برای تدارک توطئه جدید امپریالیستی - ارتجاعی ارزیابی میکند. این تحریکات همچنین بازتابی است از هراس سرمایه‌داران وابسته و بزرگ‌مالکان، لیبرالها و مانوئیست‌ها از تعمیق انقلاب بزرگ ایران و کوشش برای مقابله با آن.

در پی تحریکاتی که در هفته‌های اخیر برای تضعیف مقام برجسته امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و بخشی از روحانیت ایران، که با پیگیری از خط امام پیروی میکند، صورت گرفته است، در روز پنجشنبه ۲۷ آذرماه ۵۹، از جانب مردم انقلابی و قهرمان ایران تظاهرات و راهپیمائی‌های وسیعی در سراسر کشور به پشتیبانی از امام خمینی و به اعتراض علیه توطئه‌های جدید امپریالیسم امریکا و سازشکاران و تسلیم‌طلبان برگزار خواهد شد. حزب توده ایران که پیوسته و یکپارچه از انقلاب

در ادامه نبرد با دشمنان متجاوز

رزمندگان انقلاب تعدادی از سنگرها و تجهیزات دشمن را نابود کردند

۲۸ سنگر دشمن در جبهه‌های جنوب توسط آتش پاسداران انقلاب نابود شد.

چریکی به متجاوزان بعثی، ۲ دستگاه تانک P.M.P، یک چادر مہمات و چند سنگر نفرات دشمن را منهدم کردند. براساس این گزارش تلفاتی به نیروهای انقلاب وارد نیامد.

گزارش دیگر خبرنگار دفتر مرکزی خیر، که به نقل از دیده‌بانهای سپاه پاسداران مخابره شده، حاکیست:

به گزارش خبرگزاری پارس از جبهه‌های غرب کشور: روز دوشنبه نبرد با مبادله سلاحهای سنگین و توپخانه و خیمه‌انداز با حمایت هوایمائی نیروی زمینی (هوانیروز) در این جبهه‌ها ادامه داشت. در جبهه سومار، ملی یکسری عملیات چریکی، که زیر حمایت آتش توپخانه نیروهای انقلاب انجام گرفت، به نفرات و تجمیعات و مواضع دشمن صدماتی وارد آمد. در این عملیات یکی از سربازان مدافع انقلاب به شهادت رسید. گزارش دیگر همین خبرگزاری حاکیست که در جبهه داربلوط، روز دوشنبه، نبرد شدیدی میان رزمندگان ژاندارمری و دیگر رزمندگان انقلاب با جنایتکاران صدام جریان داشت که طی آن ۳ خودروی نیروهای دشمن نابود شد و تلفاتی به افراد دشمن وارد آمد. شدت حملات نیروهای انقلاب به حدی بود که دشمن با وارد کردن ۳ فروند هواپیمای میگ خود قصد نجات از میگ‌ها را داشت، لیکن هواپیمای، بوسیله آتشبارهای نیروهای انقلاب، مجبور به فرار شدند. همچنین مدافعان انقلاب اسلامی در جبهه‌های ناهزرد، کانی‌سخت، گیلان‌قرب، شور - شیرین و ارتفاعات کنجان چشم نیز روز دوشنبه نبردهای پراکنده‌ای با مزدوران صدام داشتند.

نبرد مدافعان انقلاب در تمام جبهه‌ها با متجاوزین صدام ادامه دارد. دفتر مرکزی خیر، به نقل از یک مقام آگاه، گزارش داد: برپروز (دو شنبه)، در جبهه آبادان، براساس آتشبارهای ارتش جمهوری اسلامی ایران، یک خودرو، یک تانک و چند سنگر مزدوران بعثی عراق منهدم شد، که طی آن تلفات جانی فراوانی به مزدوران وارد آمد. در این گزارش اضافه شده است که: شش آبادان روز دوشنبه زیر آتش خیمه‌ها و توپخانه دشمنان انقلاب قرار داشت، که طی آن یک نفر شهید و ۴ غیر-نظامی مجروح شدند. همچنین آتش توپخانه به سوی شهر تا ساعت ۲۲ روز دوشنبه ادامه داشت.

بیاد ناخدا دوم شهید محمدابراهیم همتی فرمانده ناوچه یکان و همزمانی

مردی در افاق

افق پر میشود از قامت ای مرد صدايت در ضداي موج می‌آید درون شعر آن مردان که میرانند بر توفان و می‌بینم که می‌نوشی تو یا یک جرعه توفان را و می‌بینم که می‌گیری درون سینه دریارا صدای مسوج می‌آید سرود تست

افق را میسرانی سرخ زمین را میسرانی سبز و فردا را سپید و سربرآورده...

سیاوش کسرائی
۲۴ آذر ۱۳۵۹

«اوپک» سازمان کشور های صادر کننده نفت نقش گذشته، حال و آینده این سازمان

صفحه ۲

آیت‌الله منتظری: آمریکا و دستیارانش به فکر گشودن جبهه جنگ در داخل صف ملت افتاده‌اند

صفحه ۷

هشدار به کارگران مبارز درباره توطئه اعتصاب، کم کاری و تحریک در کارخانه ها و کارگاههای مهم تولیدی و خدماتی

صفحه ۴

خود را به آن اختصاص می-دادند. ایجاد جومسنوعی بی‌امون اختلاف نظر مسئولان و رویدادهای افغانستان چنان نیرومند بود که روزنامه‌های ایران در طول سه هفته (از هفته اخراخرداد تا پایان نیمه اول تیر) کاملا امپریالیسم امریکا را بفراموشی سپردند. به این مناسبت نامه «مردم» (۳ تیرماه ۱۳۵۹) ضمن هشدار به مطبوعات، نوشت:

«مطبوعات کشور ما با نسیب در پی وزش هر نسیم انحرافی، بداسو جلب می‌شوند و امپریالیسم امریکا بطور عمده از صفحات مطبوعات ایران محو می‌گردد و توطئه‌های گوناگونی، که توسط این دشمن قسم‌خورده انقلاب ایران در حال تدارک است، به گونه فراموشی سپرده میشود و این در حالی است که در اغلب روزنامه‌ها، تترهای درشت به اخبار سراپا دروغ خبرگزاریهای امپریالیستی درمورد افغانستان اختصاص یافته است».

از روز ۸ تیر چاق‌داران حمله سراسری خود را آغاز کردند. هدف حمله، نیروهای انقلابی و در رأس آنها دفاتر و کتابفروشی-های حزب توده ایران بود. این حملات هسر روز اوج بیشتری گرفت و روزهای ۱۶ و ۱۷ تیر به نهایت رسید. در اینجا هم متاسفانه برخی عناصر ناآگاه نیز، که در این حملات شرکت داشتند، بدام فسادانقلاب افتادند. از روز ۹ تیر پیروان خط برژنسکی به نحو بی‌سابقه‌ای به فعالیت پرداختند. مطبوعات و بویژه رادیو و تلویزیون، که آرزوی لیبرال‌ها در آن قدرت زیادی داشتند، حملات گسترده‌ای را درباره «خطل شوروی» آغاز کردند.

از روز ۱۰ تیر حملات ضد-انقلاب به مسافران و اتوبوسها در جاده‌های چند استان آغاز شد. روز ۱۱ تیر، در حالیکه مانوئیست‌ها در لاهیجان با نصب کاریکاتورهایی اهانت‌آمیز علیه رهبری انقلاب و نصب شمارهای ضدولتی مردم را تحریک می-کردند، تانسر به آشوب کشیده شد. یزشک بیگانهی به‌جوخه اعدام سیزده شد. و چپ‌ها، با استفاده از آن چندینبارستان را به اعتصاب کشیدند و تدارک برای اعتصاب در قیقه بیمارستانها را آغاز کردند.

در همین روز لیبرال‌ها، که هنوز دولت را دوست داشتند، فرمان امام خمینی درباره پاکسازی ادارات از نظام شاهنشاهی را مسخ کردند و بوسیله‌ای برای چنجال در ادارات تبدیل کردند. فسادانقلاب هم در خیابانها به زنبهای بی‌حجاب حمله کرد و به آنها اسید پاشید.

روز ۱۲ تیر عناصر معیسی پی در پی در مساجد-های مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی به مردم درباره «خطل شوروی و توده‌ایها» هشدار دادند. روز ۱۶ تیر، در حالیکه نقشه کودتا آخرین لحظات تدارک خود را می‌گذراند و کودتاچیان آماده آغاز عملیات میشوند، خبر جعلی درباره حمله به ترک‌سکولهای

بقیه در صفحه ۷

جمهوری اسلامی ایران است. همه بیاد دارند که پیش از تهاجم نظامی امریکا به طبس، چگونه مسئله تعطیل دانشگاهها بسورت چنجال عظیمی درآمد که، در پس غبار آن، گماندهای آمریکائی بسوی خاک مین ما در پرواز بودند، بگذاردید، در زمینه اجتماعی روزهای قبل از کودتای نوزده، اندکسی پیشتر درنگ کنیم. براساس نگاه دوباره به رویدادهای ۶ ماه پیش، سخت‌شکفت‌آور و عبرت‌آموز است.

توطئه پنجم اکنون همه می‌دانند که امپریالیسم امریکا روز ۱۸ تیر ۵۹ را برای کودتا در نظر گرفته بود. در این روز قرار بود با اجرای طرح جنایتکارانه‌ای، که اینک مردم ایران از جزئیات آن آگاه هستند، با یک کودتای نظامی، جمهوری اسلامی ایران سرنگون شود. برای آنکه نظرها از این نقشه خائنه و جنایتکارانه منحرف نشود، طبق نسخه «خواب‌گن» کودتاکن» عمل شد تا انقلاب با استفاده از داروهای سمی آن، بخاک مرگ فرورود. این توطئه بویژه در روزهای اول تهاجم بدهم تیرماه به اوج خود رسید.

از روز اول تیرماه، در حالیکه وکنفرانس بین‌المللی بسررسی مداخلات امریکا در ایران، برگزار میشده، بحث وگفت‌وگو بر سر مسائل فرعی بین مسئولان مختلف کشور آغاز شد. بیشک آتش‌این بحث را عوامل ناشناخته امپریالیسم، مستقیم و غیرمستقیم، برافروخته بودند، تا مسئولان انقلابی کشور سرگرم آن شوند. نامه «مردم»، در شماره سوم تیرماه ۱۳۵۹، زیر تیت درشت «دشمن اصلی، امپریالیسم امریکا را فراموش نکنیم»، نوشت:

«جو سیاسی ایران آکنده از اختراعات و جر و بحث‌ها شده است. دقیق‌تر بگوئیم، آن را آکنده از اختلافات کرده‌اند. آنچه مستقیم آن‌هم آشکار است، محیطی بوجود آمده است که گویی اصل مطلب را همه دولتمردان فراموش کرده‌اند. دقیق‌تر بگوئیم، طوری همه جریان‌ات سمت داده میشود که اصل مطلب فراموش شود، و اصل مطلب چیست جز نبرد مرگ‌وزندگی با امپریالیسم امریکا؟»

۱۵ روز بعد، صحت هشدار حزب توده ایران بشبوت رسید و آشکار شد که ادامه بحث‌های فرعی خواست دشمن بوده است که، از کانال‌های معین، پیسه مسئولان انقلابی کشور تحمل شده است.

در حالیکه این بحث‌ها ادامه داشت، حلقه‌های دیگری هم به این حلقه اصلی می‌پیوست. در همین روزها کنفرانس اسلام آمریکائی در پاکستان جریان داشت و تلاش تب‌آلودی میشد که به بهانه مسئله افغانستان، نظرها را به جانب اتحاد شوروی معطوف کنند. همزمان با این فعالیت کنفرانس اسلام آمریکائی، امپریالیسم خبری بطور بی‌سابقه‌ای اخبار سراپا دروغ درباره افغانستان مخابره میکرد و متاسفانه روزنامه‌های کشور هم تترهای درشت

در جبهه کرخه کوریک کاه‌بون حامل نفرات مزدوران صدامی براتی اصابت با مینی که توسط برداران پاسدار کار گذاشته شده بود، منهدم شد و حدود ۳۰ نفر از آنان به هلاکت رسیدند.

گزارشهای رسیده توسط دفتر مرکزی خیر همچنین حاکیست: طی روز دوشنبه در جبهه‌های سوسنگرد، آب‌تیور و فارسیاب در جنوب غربی اهواز ۶ تن از رزمندگان انقلاب مجروح شدند. بنا به این گزارش، عسر دوشنبه مناطق مسکونی اهواز هدف توپخانه جنایتکاران صدام قرار گرفت، که از تلفات احتمالی خبری نرسیده است.

گزارش خبرگزاری پارس از جبهه‌های غرب کشور: روز دوشنبه نبرد با مبادله سلاحهای سنگین و توپخانه و خیمه‌انداز با حمایت هوایمائی نیروی زمینی (هوانیروز) در این جبهه‌ها ادامه داشت. در جبهه سومار، ملی یکسری عملیات چریکی، که زیر حمایت آتش توپخانه نیروهای انقلاب انجام گرفت، به نفرات و تجمیعات و مواضع دشمن صدماتی وارد آمد. در این عملیات یکی از سربازان مدافع انقلاب به شهادت رسید. گزارش دیگر همین خبرگزاری حاکیست که در جبهه داربلوط، روز دوشنبه، نبرد شدیدی میان رزمندگان ژاندارمری و دیگر رزمندگان انقلاب با جنایتکاران صدام جریان داشت که طی آن ۳ خودروی نیروهای دشمن نابود شد و تلفاتی به افراد دشمن وارد آمد. شدت حملات نیروهای انقلاب به حدی بود که دشمن با وارد کردن ۳ فروند هواپیمای میگ خود قصد نجات از میگ‌ها را داشت، لیکن هواپیمای، بوسیله آتشبارهای نیروهای انقلاب، مجبور به فرار شدند. همچنین مدافعان انقلاب اسلامی در جبهه‌های ناهزرد، کانی‌سخت، گیلان‌قرب، شور - شیرین و ارتفاعات کنجان چشم نیز روز دوشنبه نبردهای پراکنده‌ای با مزدوران صدام داشتند.

دفتر مرکزی خیر، در گزارش دیگری، به نقل از رؤیای مطبوعاتی سپاه پاسداران خوزستان، اعلام کرد:

در جبهه کرخه کوریک کاه‌بون حامل نفرات مزدوران صدامی براتی اصابت با مینی که توسط برداران پاسدار کار گذاشته شده بود، منهدم شد و حدود ۳۰ نفر از آنان به هلاکت رسیدند.

گزارشهای رسیده توسط دفتر مرکزی خیر همچنین حاکیست: طی روز دوشنبه در جبهه‌های سوسنگرد، آب‌تیور و فارسیاب در جنوب غربی اهواز ۶ تن از رزمندگان انقلاب مجروح شدند. بنا به این گزارش، عسر دوشنبه مناطق مسکونی اهواز هدف توپخانه جنایتکاران صدام قرار گرفت، که از تلفات احتمالی خبری نرسیده است.

به گزارش خبرگزاری پارس از جبهه‌های غرب کشور: روز دوشنبه نبرد با مبادله سلاحهای سنگین و توپخانه و خیمه‌انداز با حمایت هوایمائی نیروی زمینی (هوانیروز) در این جبهه‌ها ادامه داشت. در جبهه سومار، ملی یکسری عملیات چریکی، که زیر حمایت آتش توپخانه نیروهای انقلاب انجام گرفت، به نفرات و تجمیعات و مواضع دشمن صدماتی وارد آمد. در این عملیات یکی از سربازان مدافع انقلاب به شهادت رسید. گزارش دیگر همین خبرگزاری حاکیست که در جبهه داربلوط، روز دوشنبه، نبرد شدیدی میان رزمندگان ژاندارمری و دیگر رزمندگان انقلاب با جنایتکاران صدام جریان داشت که طی آن ۳ خودروی نیروهای دشمن نابود شد و تلفاتی به افراد دشمن وارد آمد. شدت حملات نیروهای انقلاب به حدی بود که دشمن با وارد کردن ۳ فروند هواپیمای میگ خود قصد نجات از میگ‌ها را داشت، لیکن هواپیمای، بوسیله آتشبارهای نیروهای انقلاب، مجبور به فرار شدند. همچنین مدافعان انقلاب اسلامی در جبهه‌های ناهزرد، کانی‌سخت، گیلان‌قرب، شور - شیرین و ارتفاعات کنجان چشم نیز روز دوشنبه نبردهای پراکنده‌ای با مزدوران صدام داشتند.

دفتر مرکزی خیر، در گزارش دیگری، به نقل از رؤیای مطبوعاتی سپاه پاسداران خوزستان، اعلام کرد:

در جبهه کرخه کوریک کاه‌بون حامل نفرات مزدوران صدامی براتی اصابت با مینی که توسط برداران پاسدار کار گذاشته شده بود، منهدم شد و حدود ۳۰ نفر از آنان به هلاکت رسیدند.

گزارشهای رسیده توسط دفتر مرکزی خیر همچنین حاکیست: طی روز دوشنبه در جبهه‌های سوسنگرد، آب‌تیور و فارسیاب در جنوب غربی اهواز ۶ تن از رزمندگان انقلاب مجروح شدند. بنا به این گزارش، عسر دوشنبه مناطق مسکونی اهواز هدف توپخانه جنایتکاران صدام قرار گرفت، که از تلفات احتمالی خبری نرسیده است.

به گزارش خبرگزاری پارس از جبهه‌های غرب کشور: روز دوشنبه نبرد با مبادله سلاحهای سنگین و توپخانه و خیمه‌انداز با حمایت هوایمائی نیروی زمینی (هوانیروز) در این جبهه‌ها ادامه داشت. در جبهه سومار، ملی یکسری عملیات چریکی، که زیر حمایت آتش توپخانه نیروهای انقلاب انجام گرفت، به نفرات و تجمیعات و مواضع دشمن صدماتی وارد آمد. در این عملیات یکی از سربازان مدافع انقلاب به شهادت رسید. گزارش دیگر همین خبرگزاری حاکیست که در جبهه داربلوط، روز دوشنبه، نبرد شدیدی میان رزمندگان ژاندارمری و دیگر رزمندگان انقلاب با جنایتکاران صدام جریان داشت که طی آن ۳ خودروی نیروهای دشمن نابود شد و تلفاتی به افراد دشمن وارد آمد. شدت حملات نیروهای انقلاب به حدی بود که دشمن با وارد کردن ۳ فروند هواپیمای میگ خود قصد نجات از میگ‌ها را داشت، لیکن هواپیمای، بوسیله آتشبارهای نیروهای انقلاب، مجبور به فرار شدند. همچنین مدافعان انقلاب اسلامی در جبهه‌های ناهزرد، کانی‌سخت، گیلان‌قرب، شور - شیرین و ارتفاعات کنجان چشم نیز روز دوشنبه نبردهای پراکنده‌ای با مزدوران صدام داشتند.

دفتر مرکزی خیر، در گزارش دیگری، به نقل از رؤیای مطبوعاتی سپاه پاسداران خوزستان، اعلام کرد:

در جبهه کرخه کوریک کاه‌بون حامل نفرات مزدوران صدامی براتی اصابت با مینی که توسط برداران پاسدار کار گذاشته شده بود، منهدم شد و حدود ۳۰ نفر از آنان به هلاکت رسیدند.

گزارشهای رسیده توسط دفتر مرکزی خیر همچنین حاکیست: طی روز دوشنبه در جبهه‌های سوسنگرد، آب‌تیور و فارسیاب در جنوب غربی اهواز ۶ تن از رزمندگان انقلاب مجروح شدند. بنا به این گزارش، عسر دوشنبه مناطق مسکونی اهواز هدف توپخانه جنایتکاران صدام قرار گرفت، که از تلفات احتمالی خبری نرسیده است.

به گزارش خبرگزاری پارس از جبهه‌های غرب کشور: روز دوشنبه نبرد با مبادله سلاحهای سنگین و توپخانه و خیمه‌انداز با حمایت هوایمائی نیروی زمینی (هوانیروز) در این جبهه‌ها ادامه داشت. در جبهه سومار، ملی یکسری عملیات چریکی، که زیر حمایت آتش توپخانه نیروهای انقلاب انجام گرفت، به نفرات و تجمیعات و مواضع دشمن صدماتی وارد آمد. در این عملیات یکی از سربازان مدافع انقلاب به شهادت رسید. گزارش دیگر همین خبرگزاری حاکیست که در جبهه داربلوط، روز دوشنبه، نبرد شدیدی میان رزمندگان ژاندارمری و دیگر رزمندگان انقلاب با جنایتکاران صدام جریان داشت که طی آن ۳ خودروی نیروهای دشمن نابود شد و تلفاتی به افراد دشمن وارد آمد. شدت حملات نیروهای انقلاب به حدی بود که دشمن با وارد کردن ۳ فروند هواپیمای میگ خود قصد نجات از میگ‌ها را داشت، لیکن هواپیمای، بوسیله آتشبارهای نیروهای انقلاب، مجبور به فرار شدند. همچنین مدافعان انقلاب اسلامی در جبهه‌های ناهزرد، کانی‌سخت، گیلان‌قرب، شور - شیرین و ارتفاعات کنجان چشم نیز روز دوشنبه نبردهای پراکنده‌ای با مزدوران صدام داشتند.

دفتر مرکزی خیر، در گزارش دیگری، به نقل از رؤیای مطبوعاتی سپاه پاسداران خوزستان، اعلام کرد:

در جبهه کرخه کوریک کاه‌بون حامل نفرات مزدوران صدامی براتی اصابت با مینی که توسط برداران پاسدار کار گذاشته شده بود، منهدم شد و حدود ۳۰ نفر از آنان به هلاکت رسیدند.

گزارشهای رسیده توسط دفتر مرکزی خیر همچنین حاکیست: طی روز دوشنبه در جبهه‌های سوسنگرد، آب‌تیور و فارسیاب در جنوب غربی اهواز ۶ تن از رزمندگان انقلاب مجروح شدند. بنا به این گزارش، عسر دوشنبه مناطق مسکونی اهواز هدف توپخانه جنایتکاران صدام قرار گرفت، که از تلفات احتمالی خبری نرسیده است.

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

«اوپک» سازمان کشورهای صادرکننده نفت

نقش گذشته، حال و آینده این سازمان نقش ایران در «اوپک»

این امر که با وجود جنگ بین دو کشور از اعضاء «اوپک»، معذک سازمان کشورهای صادرکننده نفت از هم نباشند و توانست موجودیت خود را حفظ کند و هم اکنون ایندگان آن در پالی (اندونزی) در یکی از کنفرانسهای نوپس گرد آمده‌اند، تا به حل و فصل مسائل مورد علاقه بپردازند، بدرستی افکار عمومی را متوجه مواضع مستحکم می‌سازد که این سازمان بر پایه آن بوجود آمده، بر آن اساس حق حیات خود را تثبیت کرده و برای حال و آینده، نوید پیروزیهای بیشتری را می‌دهد.

در این نوشته سعی ما مروری بر گذشته، حال و آینده این سازمان است، تا نقش و اهمیتی که این سازمان در مبارزه کلیه ملل و کشورهای نفتخیز در حال رشد علیه سلطه امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفتی آن ایفا کرده و خواهد کرد، بیشتر روشن گردد.

علل پیدایش «اوپک»، مراحل اصلی مبارزات این سازمان در ۲۰ سال گذشته، نقش ایران در پیدایش و مبارزات این سازمان از مسائلی است که در این رشته به آنها پرداخته‌ایم.

علل پیدایش «اوپک»

پس از شکست نهضت ملی شدن نفت در ایران، دول امپریالیستی و در صف مقدم، انحصارات امپریالیستی نفت، که در دهه اول پس از جنگ جهانی دوم تا حدی روش مدارا در برابر کشورهای نفتخیز در پیش گرفته بودند و در برخی موارد، مانند ملی شدن نفت در ایران و مبارزات حقیقلبانه در ونزوئلا و نظایر آن، به عقب‌نشینی‌هایی ناچار گردیده بودند، روش تهاجمی در پیش گرفتند و در مقیاس وسیعی به تفسیح حقوق ملل کشورهای نفتخیز در حال رشد پرداختند. بویژه انحصارات نفتی عضو کارتل بین‌المللی نفت (هفت خواهران)، مرکب از پنج شرکت نفتی عمده آمریکایی، و شرکت نفتی «رویال داچ شل» و «بریتیش پترولیوم کمپانی» پس تحویل قراردادهای امتیازی جدید نفت، انتقال مراکز پالایش نفت به کشورهای مصرف‌کننده، سدی در تبدیل کشورهای نفتخیز به صادرکننده نفت خام و بالاخره کاهش بی در پی قیمت‌های نفت، یکی پس از دیگری ضربات مهملی به منافع کشورهای نفتخیز وارد آوردند.

مثلا تنها در دو نوبت، در فاصله‌های سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ انحصارات امپریالیستی نفت قیمت‌های نفت را ۲۶ سنت در هر بشکه تقلیل دادند و از جمله قیمت خرید نفت ایران را، که قبل از آن بیشکای ۲۰۶ دلار بود، به ۱۷۸ دلار رسانیدند. خرید نفت به بیشکای ۲۰۶ دلار، خود یک قیمت فوق‌العاده نازل باورنکردنی برای تصاحب و غارت هر بشکه نفت مرکب از (۱۵۷ لیت) بود. لذا کاهش دوگانه، حتی در چنین قیمت‌نازلی، طبیعی است که نمی‌توانست با اعتراض شدید افکار عمومی در کشورهای نفتخیز و اقدام آنها به مقابله با این تجاوز و غارت مواجه نگردد.

تحوالات جهانی در فاصله سالهای پس از شکست نهضت ملی شدن نفت، باریک‌تر زمینه مساعدی را برای تشدید مبارزات ضد امپریالیسم ملل علیه غارت‌دول و انحصارات امپریالیستی فراهم آورده بود. ترمیم سریع خرابیهای جنگ در کشورهای سوسیالیستی و رونق چشمگیری پیشرفت اقتصادی آنان بطوریکه کشورهای سوسیالیستی در فتن دهه ۱۹۶۰-۱۹۵۰ به اعطای کمکهای وسیع اقتصادی و فنی به کشورهای در حال رشد پرداختند - پیروزی انقلاب ناصری در مصر و سپس سقوط رژیم فیصل - نوری سعید با انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ پسر میری عبدالکریم قاسم و بالاخره پیروزی انقلاب کوبا در سال ۱۳۳۹ و نظایر این تحولات شرایط مساعدی را جهت ابراز مخالفت از جانب کشورهای نفتخیز در حال رشد علیه غارت و سلطه انحصارات امپریالیستی نفت فراهم آورده بود.

تأسیس «اوپک» در ۱۳۳۹

بر چنین پایه‌ای بود که امکان گرد هم آمدن نمایندگان کشورهای نفتخیز و ضرورت مبارزه مشترک آنها علیه تحمیلات دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی به میان آمد. مبتکر چنین گرد هم آمدن و زیر نفوذ ونزوئلا بود و اولین کنفرانس اوپک با شرکت اعضای موسس: ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، ونزوئلا در پایتخت ۱۳۳۹ در بغداد برگزار شد. کنفرانس بغداد با تصویب اساسنامه سازمان کشورهای صادرکننده نفت «اوپک» (نام اختصاری) معسر حروف اول کلمات انگلیسی نام این سازمان است) پایه‌گذاری کرد.

بدینسان، برای اول بار در تاریخ سلطه امپریالیسم و انحصارات غارتگر امپریالیستی نفت، که خود را یکه‌تاز بازار جهان نفت و تسلط بر کشورهای نفتخیز می‌دانستند، سازمانی مخالف میل و رای آنان با پرمه وجود گذاشت.

از آغاز تشکیل «اوپک» تاکنون درست ۲۰ سال از عمر این سازمان می‌گذرد. در این عمر ۲۰ ساله، «اوپک» ضمن آنکه از سازمانی در ابتدا ضعیف و مرکب از پنج کشور، به سازمانی قوی و متشکل از ۱۳ کشور نفتخیز در حال حاضر بدل شده، که بیش از هشتاد درصد ذخایر جهانی نفت در کشورهای سرمایه‌داری را در اختیار دارد و ۹۵ درصد صادرات نفت در جهان متعلق به آنست، بطور عمده چهار دوره مختلف مراحل رشد را در پشت‌سر گذاشته است.

مرحله اول فعالیت «اوپک»

مرحله اول فعالیت «اوپک» شامل سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۶ می‌گردد. در این دوره مبارزات «اوپک» جنبه دفاعی داشت. «اوپک» بطور عمده با کاهش قیمت‌های نفت مخالفت

می‌کرد و سعی در احیای برخی حقوق می‌نمود، که انحصارات نفتی در قراردادهای امتیازی آنها بسود خود و بضرر کشور-های نفتخیز تفسیح کرده بودند. مثلا درحالیکه در قراردادهای امتیازی معروف به پنجاه، پنجاه، که قراردادنکین کسرسیوم در ایران نمونه اصلی آن بود، ذکر شده بود که بهره‌مالکانه نفت یا پرداخت مشخص باید بدون احتساب در مالیات درآمد به کشورهای نفتخیز پرداخت شود، انحصارات نفتی این سهم را که به ۱۲۵ درصد قیمت نفت صادراتی بالغ می‌شد، از مالیات بر درآمد کشورهای نفتخیز کسر می‌گذاشتند. همچنین طبق این قراردادهای امتیازی، از کشورهای نفتخیز ۲ درصد بعنوان هزینه فروش نفت در بازار جهانی، بسود انحصارات کسر گذاشته می‌شد، حال آنکه این کشورها، پس از خروج نفت از بندرهایشان، کمترین دخالتی در فروش نفت نداشتند.

قطعنامه‌های کنفرانس چهارم «اوپک»

«اوپک» در چهارمین کنفرانس خود در سال ۱۳۴۱ موفق به گذراندن سه قطعنامه مهم شد، که طبق یکی از قطعنامه‌ها، افزایش قیمت‌های نفت به سطح قبل از کاهش ۱۳۳۸ طلب می‌گردد. در قطعنامه دوم، پرداخت قانونی بهره مالکانه، بدون احتساب در مالیات بر درآمد، و در قطعنامه سوم، لغو دریافت هزینه فروش از کشورهای نفتخیز طلب می‌گردد. در این اولین دور مبارزه بین «اوپک» و انحصارات نفتی، گرچه «اوپک» در زمینه بازگشت قیمت‌های نفت توفیقی حاصل نکرد، لیکن موفق شد که در زمینه پرداخت بهره مالکانه و لغو دریافت هزینه فروش، انحصارات نفتی را به عقب‌نشینی وادار کند.

کابینه خائن منصور و قطعنامه‌های «اوپک»

جالب این بود که، در حالیکه دولت ایران از اجرای قطعنامه یاد شده سرد فراوان می‌برد، معذک کابینه حشعلی منصور به خیانت علنی در این کار تن درداد و برخلاف قطعنامه-های «اوپک»، کابینه منصور به انعقاد اولین قرارداد الحاقی با کسرسیوم تن در داد، که زیان عظیمی از جانب آن متوجه منافع ایران می‌گردد. اعضای دیگر «اوپک» آنگونه به چنین خیانتی تن ندادند.

بزرگترین موفقیت «اوپک» در مرحله اول فعالیت آن

«اوپک» در دوران اولیه فعالیت خود در زمینه افزایش قیمت نفت به کسب موفقیتی نائل نشد. اما پیدایش این سازمان باعث شد که از همان زمان تلاشهای مکرر انحصارات امپریالیستی نفت برای کاهش قیمت با ناکامی روبرو شود، و این خود موفقیت عظیمی برای «اوپک» بود. چنانکه خواهیم دید، در درانهای بعدی، فعالیت «اوپک» از عوامل مهم افزایش قیمت‌های نفت بود، که از کنفرانس تهران در سال ۱۳۴۹ آغاز شد و تاکنون روند آن ادامه دارد.

دوره دوم فعالیت «اوپک»

دوره دوم فعالیت «اوپک» را سالهای ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۲ تشکیل میدهد. این دوران با اتخاذ رویه تهاجمی از جانب «اوپک» همراه بود. پس از آنکه اعضای جدیدی از جمله قطر، اندونزی، الجزایر، لیبی و نیجریه در اواسط سالهای ۱۹۶۰-۱۹۶۰ به «اوپک» پیوستند، مواضع این سازمان قوی‌تر گردید. تحولات مترقی در اندونزی، پیروزی انقلاب در الجزایر، استقرار رژیم مترقی در سوریه در اواسط دهه ۱۹۶۰-۱۹۶۰ هم‌حوادتی بودند که مواضع انحصارات نفتی را یکی پس از دیگری در منطقه و جهان تضعیف می‌ساختند. امپریالیسم و انحصارات نفتی در برابر این وضع، بویژه آنکه جنبش عظیمی برای لغو قراردادهای امتیازی نفت و ملی کردن صنایع و لوله‌های عبور نفت آغاز شده بود، به‌توطئه جنگ اسرائیل علیه کشور-های عربی پرداختند. لیکن نتیجه این جنگ، بجای آنکه کشورهای نفتخیز را از مبارزه با بازار، ملل و دول کشورهای نفتخیز را به مبارزه جدی‌تری جهت کسب حقوق ملی در نفت سوق داد. پشتیبانی دول سوسیالیستی از این مبارزه و حمایت مؤثر و فعال از نهضت‌های انقلابی با در نظر گرفتن تقویت بیشتر مواضع این کشورها در صحنه جهان، شرایط مساعدتری برای مبارزات «اوپک» و پیروزیهای جدی‌تری آن بوجود آورد.

پیروزی‌های «اوپک» در دوران دوم فعالیت آن

بر همین اساس بود، که «اوپک» در دوره دوم فعالیت خود، علیرغم کارشکنی دول مرتجع در این سازمان، نظیر رژیم نتکین محمدرضا و دولت سعودی که توسط افرادی نظیر شیخ طریقی، روش آشکاری بسود انحصارات نفتی در پیش گرفته بود، توانست به پیروزیهای مهمی نائل آید. فراهم آوردن زمینه افزایش قیمت‌های نفت در کنفرانس تهران و سپس تریبولی (لیبی) را می‌توان نتیجه مستقیم تشکل کشور-های نفتخیز در «اوپک» دانست، بویژه آنکه سقوط رژیم سلطنتی در لیبی در ۱۳۴۸ و استقرار رژیم ضد امپریالیستی در این کشور و همچنین لغو امتیاز نفت در پرو توسط دولت ضد

امپریالیستی این کشور، مواضع کشورهای نفتخیز را بیش از پیش تقویت کرد. جنگ یافرا نیز بزبان انحصارات نفتی و تمرکز قدرت در دست دولت مرکزی نیجریه پایان یافت، که پیش از پیش مواضع دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی را در کشورهای نفتخیز ضعیف کرد.

نتایج ماجراجویی جدید دول امپریالیستی پقصد تضعیف «اوپک»

در برابر پیروزیهای جدید «اوپک» و جنبش‌های وسیع ملی شدن نفت و لغو بی دربی قراردادهای امتیازی نفت در این دوران و آغاز روند افزایش قیمت‌های نفت، دول امپریالیستی و انحصارات نفتی به ماجراجویی جدیدی دست زدند. این بار آنان درصدد برآمدند که با دست‌اندازی مجدد اسرائیل به اراضی کشورهای عربی در سوریه و اردن، تناسب قوا را بسود خود و بزبان جنبش ملی آزادی‌بخش فلسطین و کشورهای نفتخیز در حال رشد بالاخص تغییر دهند. لیکن جنگ ۱۳۵۲، نه‌فقط چنین نتایجی را بیار نیارده، بلکه به افزایش چشمی قیمت‌های نفت از بیشکای نزدیک به ۴ دلار به ۱۲ دلار منجر گردید. متناسب با این افزایش، درآمد کشورهای نفتخیز از نفت به مقدار زیاد و غیرقابل مقایسه با قبل بالا رفت. از این گذشته کشورهای چسبندی و منجمله جمهوری عراق به ملی کردن صنایع نفت خود و لردش‌کهای عظیم امپریالیستی، نظیر عراق پترولیوم کمپانی اقدام کردند، که تناسب قوا را در خلیج فارس بسود کلیه کشورهای نفتخیز تغییر داد.

دوران سوم فعالیت «اوپک»

با این تحولات، دوران سوم فعالیت «اوپک» آغاز شد که، چون همزمان با بحران انرژی در جهان سرمایه‌داری بود، کشورهای نفتخیز را در موقعیت بسیار مساعدی از نظر تأمین منافع واقعی خود در نفت قرار می‌داد.

بدینسان مبارزات مشترک کشورهای نفتخیز در «اوپک» نتایج بسیار مطلوب و مهمی از نظر تأمین منافع ملی این کشورها بیار آورد. در سومین مرحله از فعالیت «اوپک»، پس از افزایش چشمی قیمت‌های نفت در سال ۱۳۵۲، تا قبل از پیروزی انقلاب ایران در بهمن ۱۳۵۷، بسر پایه پیروزیهای بدست آمده، کشورهای عضو «اوپک» قادر بودند که ضربات جدی به مواضع امپریالیسم و انحصارات عمده نفتی وارد سازند، عملا به عمر امپریالیسم نفتی در این کشورها خاتمه دهند. لیکن وجود رژیمهای دست‌نشانده‌ای نظیر رژیم محمدرضا در کشور ما و رژیم عربستان سعودی مانع از استفاده از امکانات موجود بین‌المللی و داخلی در کشورهای نفتخیز به منظور رهائی کامل از سلطه امپریالیسم گردید.

رژیم نتکین شاه و سومین دوره از فعالیت «اوپک»

تسلط رژیمهای دست‌نشانده نظیر رژیم نتکین شاه در ایران موجب شد که افزایش درآمدهای نفت بسود دول امپریالیستی و تشدید سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی آنها بر این کشورها بکار رود. در این دوران بود که بدست رژیمهای دست‌نشانده قراردادهای امتیازی کهنه با قراردادهای تازه‌ای، که تماما بسود امپریالیستی و انحصارات نفتی بود، عوض گردید. قرارداد منعقد بین شاه ملوم و کسرسیوم بین‌المللی نفت در ۹ مرداد ۱۳۵۲، بنام قرارداد فروش نفت، چنین قراردادی بود. طبق این قرارداد، تمام ذخایر نفت ایران بدست ۲۰ سال به کسرسیوم پیش‌فروش گردید و تحت‌عنوان ملی کردن «واقعی»، تنه ذخایر نفت ایران به حراج دول امپریالیستی و غارتگران نفتی درآمد.

علل بحران «اوپک» در سومین دوره موجودیت آن

بدینسان در سومین دوره فعالیت خود، «اوپک» نظر به کارشکنی دول مرتجع دست‌نشانده در کشورهای نفتخیز، نظیر ایران و عربستان سعودی، علیرغم امکانات عظیمی که این سازمان برای ضربه وارد ساختن در مواضع امپریالیسم و انحصارات نفتی داشت، به کسب موفقیت متناسب با امکانات جدید نائل نیامد. در این دوره فعالیت خرابکارانه دول دست‌نشانده، عملا فعالیت «اوپک» را وارد مرحله بحران و رکود ساخت. دول امپریالیستی، انحصارات نفتی، با استفاده از این وضع، توانستند اثرات افزایش قابل ملاحظه قیمت‌های نفت را خنثی کنند. آنها با تحمیل سیاست‌های تجاوزی و تورمی به کشورهای نفتخیز، درآمدهای نفتی اکثر این کشورها را بسود خود تصاحب کردند.

رژیم شاه ملعون، اهرم عمده رکود در فعالیت «اوپک»

نمی‌توان پنهان داشت که بویژه رژیم کودتائی شاه‌ملعون در ایران، در اواخر عمر نتکین خود، به اهرم عمده‌ای در حفظ مواضع دول امپریالیستی و انحصارات نفتی در کشورهای

نفتخیز و عدم موفقیت «اوپک» در مبارزات خود بدل گردید. برای خروج «اوپک» از بحران، ضرورت داشت که تحول اساسی در وضع یکی از دو کشوری که عمده‌ترین ذخایر و تولیدات نفت را در اختیار داشتند، صورت گیرد.

تأثیر شگرف پیروزی انقلاب ایران بر تحکیم موقعیت «اوپک»

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی درمیان ما ایران، نه‌فقط به سلطه جهانی امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و رژیم دست‌نشانده آن بر ایران پایان داد، بلکه تغییرات عظیمی بسود استقرار تناسب جدید قوا بنفع همه نیروهای ضد امپریالیستی و آزادی‌بخش، از جمله بسود مبارزات کشور-های نفتخیز علیه «اوپک» ایجاد کرد. با پیروزی انقلاب ایران، «اوپک» وارد چهارمین دوره از فعالیت خود، یعنی دورانی عمده است که تناسب نیروها آشکارا به نفع پیروزی مبارزات ملل کشورهای نفتخیز در حال رشد تغییر یافته و انهدام کامل سلطه امپریالیسم و کارتل بین‌المللی نفت بسر کشورهای نفتخیز در حال رشد، می‌تواند از قوه بفعل درآید.

نتایج تغییر تناسب نیروها بسود «اوپک» و بزبان امپریالیسم نفتی

امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، و انحصارات عمده عضو کارتل بین‌المللی نفت (هفت خواهران)، که از نظر قدرت سومین نیرو، پس از آمریکا و بازار مشترک اروپا، را در جهان سرمایه‌داری تشکیل می‌دهند، بدرستی به نتایج تغییرات عظیمی که پیروزی انقلاب ایران در تناسب نیروها در سطح جهانی بوجود آورده، واقفند. آنها بدرستی می‌دانند که یکی از این نتایج افول سلطه آنان بر کشورهای نفتخیز، از دست دادن امتیازات نفتی و کوتاهی دست آنان از غارت و استثمار منابع و صنایع نفت کشورهای نفتخیز است. این چنین وضعی طبیعی است که امپریالیسم را از لحاظ استراتژیک در موضع ضعیف قرار می‌دهد و به نزدیکی آن به محو و زوال سرعت می‌بخشد، که طبیعتا برای جهان غارت و استثمار قابل تحمل نیست و آن را به تلاشهای مذبحخانه و ماجراجویانه می‌کشاند.

جنگ تجاوزی صدام علیه ایران - ماجراجویی به زیان «اوپک»

براه انداختن جنگ صدام خائن علیه کشور ما، یکبارز همین تلاشهای مذبحخانه است که امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و انحصارات عمده نفت، آن را به قصد سرکوب انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از تغییر تناسب نیروها در صحنه جهانی و در مبارزه کشورهای نفتخیز علیه خویش برآه انداختند. هدف این جنگ تجاوزکارانه در عین حال تلاشی ساختن سازمان کشورهای صادرکننده نفت بود، که چه سوابق مبارزات آن و چه یکبار-هائی که در آینده بر پایه تقویت بیشتر مواضع کشورهای نفتخیز براساس تثبیت پیروزیهای انقلاب ایران خواهد داشت، به معنی واقعی کلمه مو بر تن امپریالیستها و کارتل بین‌المللی نفت راست می‌کند.

امپریالیستها و کارتل نفت‌دیگر تعیین‌کننده سرنوشت ملل کشورهای نفتخیز نیستند

ما هم‌اکنون شاهد آن هستیم که، نه فقط ماجراجویی امپریالیسم آمریکا و انحصارات امپریالیستی نفت در تحریک صدام خائن به جنگ علیه کشور ما با شکست کامل و مقتضانه روبرو می‌شود، بلکه تلاش آنها به منظور انحصار «اوپک» و متفرق ساختن کشورهای نفتخیز نیز بسا ناکامی مواجه بوده است. کنفرانس کنونی «اوپک» در پالی (اندونزی) معرف این واقعیت است که امپریالیستها و انحصارات نفتی آنان دیگر تعیین‌کننده سرنوشت مللها در کشورهای نفتخیز نیستند. اکنون جنبه مبارزات ضد امپریالیستی ملل، که از کشورهای سوسیالیستی گرفته تا جنبش کارگری در کشور-های سرمایه‌داری و جنبش آزادی‌بخش در کشورهای جهان سوم، را دربر می‌گیرد، تعیین‌کننده سرنوشت مبارزات ملت-هاست. در این شرایط ولو امپریالیستها و عمال آنها در کشورهای نفتخیز دست به اخلاهای دیگری بزنند، از هم‌اکنون می‌توان گفت که جز ناکامی و شکست نتیجه دیگری برداشت نخواهند کرد.

«اوپک» در دهه سوم عمر خود موفق‌تر خواهد بود

«اوپک» در جریان ۲۰ سال گذشته عمر خود، با وجود مشکلات زیاد، منشاء پیروزیهای بزرگی برای ملل کشور-های نفتخیز در حال رشد بوده است. در دهه سوم عمر خود این سازمان محققا خواهد توانست ملل کشورهای نفتخیز را در کسب پیروزیهای بسیار مهتر یاری رساند.

حزب توده ایران، با آگاهی علمی به سرنوشت مبارزات ضد امپریالیستی، از ابتدای پیدایش «اوپک» از موجودیت و فعالیت این سازمان جانبداری کرده است. اکنون نیز که پیش‌بینی‌های حزب ما در مورد نقش مهم این سازمان به تحقق پیوسته، حزب ما همچنان مدافع مبارزات آنی «اوپک» در راه رهائی کامل ملل کشورهای نفتخیز در حال رشد از تسلط امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفتی خواهد بود.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

پاکسازی و نوسازی دستگاه دولتی

پاکسازی و نوسازی دستگاه دولتی بیدیده ای خاص انقلابهای مردمی است. انقلاب مردمی، چنانکه نام آن بیداست، انقلابی است که به دنبال آن حاکمیت مردم (نه طبقه و یا قشر استعمارگر تازوی) برقرار می‌گردد. انقلاب اگر مردمی نباشد، طبقه و یا قشر استعمارگر تازه‌ای که به حکومت می‌رسد، نیاز مبرمی به پاکسازی ریشه‌های و سبادهای در دستگاه دولتی سابق احساس نمی‌کند و می‌کوشد تا همان دستگاه را با بهره‌ای تغییرات کوچک و سطحی و جابه‌جا کردن مهرها و افراد به خدمت خود درآورد. دستگاه دولتی قدیم نیز به آسانی به فرمانبرداری از حاکمیت جدید تن در می‌دهد، زیرا در نقش آن علی‌الاصول تغییری کلی پدید نمی‌آید و همان وظیفه سابق خود را به خاطر استعمارگران و کارگزاران جدیدشان انجام می‌دهد.

اما در یک انقلاب مردمی، که انقلاب شکوهمند بهمن‌ماه ایران نیز از آن جمله است، حاکمیت مردم بدون ایجاد تحول ریشه‌ای در دستگاه دولتی نمی‌تواند تحقق یابد. پاکسازی دستگاه دولتی بایستی به این نیاز انقلاب پاسخ می‌داد و از فردای انقلاب در سطح گسترده آغاز می‌شد. اما مقاومت لیبرال‌ها، یعنی هواداران نگاه‌داری نظام غارتگر سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی، که انقلاب را به معنای ادامه همان نظام اجتماعی - اقتصادی سابق منهای روئسای شاهنشاهی آن می‌دانستند، پاکسازی را به تعویق انداخت. روش لیبرال‌ها از دشمنی آشتی‌ناپذیر آنان با ماهیت مردمی انقلاب سرچشمه می‌گرفت. حوادثی که بی‌دری روی داد (توطئه حزب جمهوری خلق مسلمان، افشای چهره‌های خیانتکار به وسیله دانشجویان مسلمان بیرو خط‌آمام، دسایش ضد انقلاب در ارتش، خیانت‌های امیرانظام و نژیه و مقدم‌مراغه‌های و درباردار علوی و نظایرشان) ثابت کرد که جمهوری اسلامی ایران بدون پاکسازی دستگاه دولتی قادر به انجام تعهدات و وظایف خود در برابر مستضعفان نیست، لذا مسئله پاکسازی، علی‌رغم کارشکنی لیبرال‌ها، در دستور روز قرار گرفت. فرصت زیادی از دست رفته بود و بایستی جبران مافات با سرعت به عمل می‌آمد. در این اوضاع و احوال، پاکسازی بدون طرح و تدارک و پیش‌بینی‌های لازم آغاز شد، که ناگزیر با کمبودها و کاستی‌ها و حتی برخی از جنبه‌های زیان‌آور همراه بود. با وجود این، پاکسازی نقش مثبت خود را بخصوص در مورد نیروهای انتظامی ایفا کرد و از احتمال بروز توطئه‌ها تا حدود زیادی کاست. اینک خطری که از این رهگذر نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کرد، تا حدود زیادی مرتفع شده و هنگام آن رسیده است که بر روند پاکسازی و نوسازی از دیدگاه اقداماتی که انجام گرفته و در آینده باید انجام بگیرد، نظری بیفکیم.

پاکسازی و نوسازی دو مرحله جداگانه در روند واحد سازندگی دستگاه دولتی طبق نیازهای جامعه نوین انقلابی است.

نخست باید دستگاه دولتی سابق را از حالتی که بتواند ابزار بازگشت طبقات سرتگون شده قرار گیرد، بیرون آورد، و سپس آن را بطوری ساخت که بتواند به خدمت حاکمیت مردمی پس از انقلاب درآید.

مهم‌ترین هدف در مرحله اول برکنار کردن عوامل رژیم سابق از راس دستگاه حساس دولتی و گماردن عناصر صادق به انقلاب به جای آنانست. پاکسازی در این مرحله بیشتر دارای جنبه سیاسی است و تمام قشر ماموران عالی‌رتبه کنوری و لشکری و دیگر وابستگان به رژیم سابق را در بر می‌گیرد.

هدف انقلاب در مرحله دوم ایجاد تغییرات در ساخت و سیستم دستگاه دولتی است، به نحوی که بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه نوین باشد. جامعه نوینی که زاییده یک انقلاب مردمی است، به دستگاه عریض و طویلی که طبقات حاکم گذشته برای استعمار و سرطوب توده‌ها بوجود آورده بودند، نیازی ندارد. حکومتی که به دنبال یک انقلاب مردمی روی کار می‌آید، می‌کوشد تا، دستگاه دولتی را از حالت مدافع منافع طبقات استعمارگر و مصرف‌کننده اصلی بودجه دولتی خارج سازد، و بولی را که زحمتکشان از دسترنج خود به آن می‌پردازند، برای تأمین رفاه مادی و هنوی آنان به مصرف برساند. این حکومت نمی‌تواند به اقتضای فطری وابسته به طبقات حاکم، که به عنوان چشم و گوش و دست رژیم در دستگاه دولتی قدیم حاضر و ناظر بودند و بدون انجام هیچ کار لازم و مثبتی حقوق - های گزاف می‌گرفتند، باج بدهد. بدینسان پاکسازی دستگاه دولتی اقدام ناگزیری است که پس از هر انقلاب مردمی برای ریشه‌کن ساختن نظام گذشته و سازندگی نظام آینده باید انجام گیرد. بسیار مهم است که در این اقدام، ضابطه

اصولی رعایت مانع جامعه نوین خواست. های پیشرفت و ترقی کشور به طور کلی باشد، نه نظرات و خصوصیات فردی و گروهی، که ناچار به حقوق‌کشی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و عواقب اجتماعی و سیاسی سوء دیگر منجر خواهد شد. پاکسازی باید منحصر شامل وابستگان به رژیم گذشته و دشمنان انقلاب مردمی باشد.

ضوابط این وابستگی کدام است؟ چه چیز نشانه وابستگی به رژیم گذشته است؟ به عقیده ما این وابستگی را قبل از هر چیز باید برحسب همان معیارهای زمان گذشته سنجید. رژیم شاه ملعون تنها پس از آزامی وفاداری بی‌چون و چرای افراد، آنان را در راس مقامات حساس دولتی می‌گمارد. بدون تصویب ساواک هیچکس نمی‌توانست در سلسله مراتب اداری از پله مینی پافتر نهد. کسانی که از این پله پافتر نپاده‌اند، وابستگان رژیمند، یعنی سرنوشت‌شان با سرنوشت رژیم گره خورده است.

از سوی دیگر، ادارات و سازمان‌هایی بودند که تمام کارکنان آنها را وابستگان به رژیم سابق تشکیل می‌دادند. برای مثال می‌توان از ساواک نام برد، که کارکنان آن را باید یکسره در اعداد و وابستگان به رژیم سابق محسوب داشت. برخی دیگر از ادارات و موسسات کنوری و لشکری رژیم شاه ملعون نیز کمابیش مانند ساواک منحصر اعضای خود را از میان سرنسردگان به رژیم انتخاب می‌کردند. در این گونه موارد، خود اداره یا موسسه باید مورد پاکسازی قرار گیرد، و یا به عبارت دیگر، منحل گردد.

علاوه بر این تقریباً همه وابستگان به رژیم سابق با سوءاستفاده از مقام و موقعیت شغلی خویش، صاحب ثروت‌های عظیم و مرتکب جنایات بی‌شمار شده‌اند. اینان علاوه بر پاکسازی، باید به دلیل جرائمشان به شدت مجازات گردند. در روزهای اوج جنبش قبل از پیروزی - خواست مردم برای پیگرد و مجازات این گروه آن قدر زیاد دامنه‌دار بود که حتی شاپور بختیار نیز در آخرین روزهای حکومتش، برای فریب مردم وعده آن را می‌داد.

تلاش برای "جذب" وابستگان رژیم سابق به انقلاب کوشش عینی است، چنانکه امیدواری به تجدید تربیت آنان نیز، در عین حال انتساب وابستگی به کارمندان دولتی، در خارج از ضوابط سیاسی، مثلا برحسب میزان حقوق و مزایا و نظایر آن و سلب حیثیت سیاسی از افراد بدون دلیل موجه، گناهی ناخوشودنی است که در یک نظام انقلابی هرگز جایز نیست.

نهاد این‌طور تصور کرد که پاکسازی دستگاه دولتی تنها با بریدن دست این طفیلی‌ها از مشاغل حساس پایان خواهد یافت. نمی‌توان امیدوار بود که با برداشتن سر هم، که کار نسبتاً آسانی است، انقلاب بتواند بدنه آن را بدون هیچ تغییری به خدمت حاکمیت نوین درآورد. پاکسازی این بدنه باید موازی با نوسازی آن انجام گیرد.

نوسازی دستگاه دولتی کاری به مراتب دشوارتر از پاکسازی آن است

نوسازی، روند پیچیده ایجاد سازمان‌ها و نهادهای نوین دولتی و تربیت مجدد کارمندان دولتی است، به نحوی که بتوانند خدمتگزار حاکمیت نوین انقلابی باشند. هدف نوسازی ایجاد یک دستگاه دولتی کارا، با حداقل هزینه ممکن است. نخست باید طرح این نوسازی را با دقت و مطالعه کامل تدوین کرد، و چون پایه این طرح کاهش هزینه و کارایی دستگاه دولتی است، ناگزیر در این مرحله نیز عده‌ای از کارمندان سابق باید از کار کنار گذاشته شوند. بین این دسته از کارمندان، که بدلیل مقتضیات اداری از کار برکنار می‌شوند، و کسانی که در مرحله اول به علل سیاسی پاکسازی می‌شوند، فرق اصولی وجود دارد. برخورد با آنان نیز باید برخوردی به کلی متفاوت باشد. مسئله عمده در این مرحله طرز برخورد با متخصصان است.

با متخصصان چه باید کرد؟

بدون یافتن پاسخ صحیح به این سوال، نه کاهش هزینه دستگاه دولتی و نه کارایی آن را میتوان تأمین کرد. کاری که یک متخصص (مثلا متخصص کامپیوتر) می‌تواند انجام دهد، با کار ده نفر غیر متخصص برابر است. همچنین در تمام موارد دیگر، دستگاه دولتی را بدون

متخصص نمی‌توان اداره کرد. بنابراین نباید دستگاه دولتی را به هیچ عنوان از متخصصان برجسته محروم ساخت. اما این متخصصان طرف قضیه است. طرف دیگر آن این است که: اولاً هر متخصصی را نمی‌توان در دستگاه دولتی جدید به کار گماشت، و ثانیاً هر متخصصی حاضر نیست با دولت انقلابی جدید (اگر خطت مردمی داشته باشد) همکاری کند. علت این امر قبل از هر چیز آن است که، تخصص و علم در نظام پیشین (و در مورد ما، در نظام طاغوت) در انحصار طبقاتی است که از انقلاب فریب خورده‌اند. البته هستند کسانی که از میان طبقات پایین و متوسط بیرون آمده‌اند و با خون دل و محرومیت‌های طاقت‌فرسا توانسته‌اند دانشمند یا متخصص شوند. اما بحث ما در باره توده متخصصان است، نه استثنائات، و توده متخصصان در یک نظام استعمارگر از میان طبقات دارا بیرون می‌آیند و یا اگر از طبقات پایین هم بیرون آمده باشند، سپس معمولاً، از نظر دید اجتماعی و سیاسی، در موضع طبقات حاکم قرار می‌گیرند. به این دلیل، پس از آن که یک انقلاب مردمی پیروز شد، تنها بخشی ناچیز از متخصصان، دانشمندان و بطور کلی روشنفکران نظام گذشته حاضرند با نظام جدید صادقانه همکاری کنند. اکثریت قاطع آنان یا رویاروی انقلاب قرار می‌گیرند و یا بی‌تفاوت‌اند و یا با احتیاط به نظام نوین نزدیک می‌شوند.

حکومتی که به دنبال یک انقلاب مردمی روی کار می‌آید، باید بتواند با یک برخورد منطقی و کارتوضیحی مستمر و باشیوه‌لذات، از گروه از متخصصان و روشنفکرانی را که خصوصاً بیگیر با انقلاب نشان نمی‌دهند (هرچند بی‌تفاوت و یا ناراضی هستند) به سوی خود جلب کند، و در عین حال ملاک برخورد با متخصصان را، برحسب برخورد آنان با کار و وظایفشان، تعیین کند. استفاده از متخصصان بازمانده از نظام سابق باید موازی با تربیت متخصصان جدید از میان خلق انجام گیرد، و تا زمانی که نظام نوین نتوانسته است متخصصان و روشنفکران وفادار به انقلاب را از بین توده‌های مردم تربیت کند، استفاده از متخصصان سابق یک ضرورت ناگزیر اجتماعی است. بیرون آوردن متخصصان و روشنفکران سابق از ذخیره ضد انقلاب و آوردن آنها به خدمت انقلاب، یکی از مهم‌ترین وظایف تبلیغات حاکمیت نوین انقلابی است.

گاهی به مسئله استفاده از متخصصان یک بحث تجریدی به میان آورده می‌شود که در این مورد چه چیز را باید مقدم شمرد: ایمان را یا تخصص را؟ به عقیده ما، یک حکومت انقلابی مسئله ایمان و تخصص را باید در حال حرکت و به صورت یک روند پویا مطرح و حل کند، یعنی ایمان را به تخصص و تخصص را به ایمان پیوند دهد، زیرا هیچکس از این دو بدون دیگری نه تنها مفید نیست بلکه در اغلب موارد زیان‌بخش است. حکومت انقلابی از آن‌کس که ادعا می‌کند به انقلاب ایمان دارد، باید بخواهد که متخصص شود. آن کس که در کسب تخصص در شغلی که به او محول شده است کوششی از خود نشان نمی‌دهد، باید در ایمان او (و یا استعداد و شعور او) نیز تردید کرد. چنین ایمانی از حد شعاربالا نمی‌رود. تاریخ انقلابات مردمی در سایر کشورها گواهی می‌دهد که انقلابیون با ایمان (صداها و هزارها) تمام دوره تحصیلات تخصصی خود را ضمن انجام وظایف دولتی خودشان انجام داده‌اند. این تاریخ همچنین گواهی می‌دهد که انقلابیون با ایمان توانسته‌اند هزاران متخصص بازمانده از رژیم سابق را به صحت خط‌نشی وسایست خود متقاعد سازند و از آنان متخصصان با ایمانی بوجود بیاورند. انقلاب اگر در سیر مردمی خود ادامه دهد، اقتناع روشنفکران و متخصصان بازمانده از نظام سابق کار زیاد دشواری نیست. تردیدی نیست که بخش معینی از روشنفکران و متخصصان، مخصوص کسانی که در رژیم گذشته از مزایایی بیش از اندازه استحقاق خود برخوردار بودند، هرگز با انقلاب آشتی نخواهند کرد و ترجیح می‌دهند که

متاع خود را به خریداران دیگر در کشور - های خارجی عرضه کنند. اینان عملاً به اردوی ضد انقلاب فراری خواهند پیوست و سرنوشت‌شان نیز جدا از آن نیست. اما رفتار اینان نباید موجب عکس‌العمل نادرست ارگان‌های انقلابی نسبت به متخصصان و روشنفکران به طور کلی گردد.

بر خورد ارگان‌سپای انقلابی با متخصصان و روشنفکران چگونه باید باشد؟

آنچه حکومت انقلابی از روشنفکران و متخصصان، که وابستگی مستقیم به رژیم گذشته نداشته‌اند، باید بخواهد و آن را ملاک و ضابطه برخورد خود با آنان قرار دهد، انجام شرافتمندانه وظایف محوله به آنان است نه طرز فکر و عقیده آنان که جز یک اقلیت کوچک، نمی‌تواند مهر و نشان رژیم گذشته را بخورد داشته باشد. این وظیفه حاکمیت نوین انقلابی است که در اثر کوشش مستمر توضیحی و تبلیغاتی خود و نشان دادن حداکثر صبر، حوصله و خودداری از توسل به شیوه‌های قهرآمیز، عدم موافقت و حتی مخالفت روشنفکران و متخصصان بازمانده از رژیم گذشته را به موافقت با نظام نوین انقلابی و پشتیبانی از آن تبدیل کند. آن متخصص (فردی که در چه رشته‌ای، از جمله آموزش و پرورش) که با نظام نوین انقلابی مخالفت نمی‌کند (هرچند موافق هم نیست) و وظایف خود را شرافتمندانه انجام می‌دهد، عنصر مفیدی است که از او، تا زمانی که انقلاب نتوانسته است روشنفکران موافق خود را تربیت کند، باید استفاده کرد، زیرا در غیر این صورت به گفته آیت‌الله منتظری: "ولو آدم خوش جنسی هم باشد، ضدانقلاب از وجودش سوءاستفاده می‌کند." (از سخنان آیت‌الله منتظری درباره تصفیه‌شدگان در نماز جمعه قم، نقل از روزنامه‌ها، اول شهریور ۵۹).

برخورد صحیح با متخصصان و روشنفکران نو سازی دستگاه دولتی، با تمام اهمیت و ظرافت آن، کار چندان دشواری نیست. دشواری کار در نو سازی دستگاه دولتی، هنگامی که تمام ابعاد آن ظاهر می‌شود که خواهیم هدف اصلی را، که ایجاد یک دستگاه کارای دولتی با حداقل هزینه ممکن است، بیادگیم. برای تحقق این هدف چه سازمان‌هایی را باید منحل کرد؟ چه سازمان‌های تازه‌ای باید بوجود آورد؟ چه کسی یا چه کسانی را باید در این سازمان‌ها به کار گماشت؟ با بقیه کارمندان زائد چه باید کرد؟

در دستگاه دولتی ایران دهها هزار کارمند وجود دارد که کار مفید روزانه آنها بطور متوسط از دو سه ساعت بیشتر نیست. آیا باید آنان را برای این که "نان بخورند" در دستگاه دولتی نگاه داشت؟ آیا باز خرید و یا بازنشته کردن کارمندان جوانی که هنوز شش به چهل - چهل و پنج سال نرسیده و "خانه نشین" کردن او راه درست و منطقی حل این مسئله است؟ آیا این تصمیم بیشتر شبیه به تصمیم ناخدائی نیست که در دریای طوفانی بارهای گران قیمت خود را به دریا می‌ریزد، به امید آن که خود کشتی را نجات دهد؟

چه باید کرد؟

به عقیده ما، در کار مهمی چون نو سازی دستگاه دولتی، باید منافع جامعه مقدم بر منافع فرد در نظر گرفته شود، به عبارت دیگر، افراد طبق نیازهای سازمانی در دستگاه دولتی نگاه داشته شوند نه برای ارتزاق، زیرا با برکنار کردن افراد زائد بر نیازهای سازمانی و تقلیل هزینه دستگاه دولتی می‌توان اعتبارات بودجه دولتی را برای سرمایه‌گذاری در رشته‌های تولیدی، ایجاد کار و بالا بردن سطح زندگی توده‌های مردم به کار برد. اما در عین حال یک جامعه انقلابی نمی‌تواند دهها هزار جوان سی و پنج - چهل ساله (و اغلب تحصیل کرده) را به بیگاری و یا مفتخواری که چند هزار تومان حقوق بازنشستگی (یا مملفسی باز خرید) می‌گیرند و برسه می‌زنند، تبدیل کند. باید این اشخاص را به کار مفید اجتماعی جلب کرد. باید شرایطی بوجود آورد که آنان بتوانند، برخلاف گذشته، با کار مفید به خیر جامعه، در عین حال زندگی بهتری نیز برای خود تهیه کنند. باید به این گونه کارمندان تخصص‌های تازه آموخت و آنها را در رشته‌های تولیدی بکار گماشت.

آیت‌الله منتظری، در همان خطبه خودشان به این جنبه مسئله نیز توجه کرده و به درستی گفته‌اند: "تصفیه ادارات کار حسابی است... اما شما که تصفیه می‌کنید، حساب این را کرده‌اید که... باید برای اینها کار هم درست کرد؟ همین‌طور که آنها را بیرون بکنیم، کار درست نمی‌شود. بایستی کارهای کشاورزی، دامداری، یا در کارخانه‌ها، در جاهای

دیگر، خلاصه دولت یک کاری بکنند که اینها جذب بازار کار شوند... پس تصفیه باید در مقابلش بازار کاری هم باشد... البته تصفیه باید باشد، اما این هم باید بدنبالش باشد که یک کاری در اختیار آنها بگذارند...

جامعه انقلابی نه تنها به دلایل اجتماعی و اقتصادی، بلکه همچنین به دلایل سیاسی نمی‌تواند این فوج بیگاران را تحمل کند. دهها هزار جوانی که صبح تا شب بیگار باشند و از محیط نیز غالباً دل بری داشته باشند، بهترین ناظران جرئت‌نومه ضد انقلابند. البته تربیت و تبدیل کردن کارمندان سابق دولت به انسان‌های زحمتکشی که به قدر شمره کارشان از جامعه توقع داشته‌اند، کار آسانی نیست. اما جامعه انقلابی جز این راه دیگری ندارد. باید این روند دشوار را با بیگیری دنبال کرد.

یک نظام مردمی در عین حال که منافع جامعه را بر منافع فرد مقدم می‌شمارد، هرگز فرد را نیز در حل دشواری‌های زندگی‌اش تنها نمی‌گذارد. این سرشت جوامع منطبق سرمایه‌داری است که حکومت‌هایشان در تأمین کار و آسایش افراد جامعه مسئولیتی برای خویش قائل نیستند. حکومتی که زائیده یک انقلاب مردمی است، این مسئولیت خویش را هرگز فراموش نمی‌کند. می‌تواند منافع عظیمی را که از کاهش هزینه دستگاه دولتی به دست می‌آید، در ایجاد موسسات تولیدی و تعاونی و گسترش خدمات به کار انداخت و کارمندان زائد دولتی را پس از آموختن تخصص‌های تازه در دوره‌های کوتاه مدت (ضمن اشتغال به کار و در صورت آموختن تخصص‌های پیچیده‌تر یا پرداخت حقوق طی مدت تحصیل) در آن رشته‌ها به کار گمارد. بخش دولتی و تعاونی تدارک و توزیع کالاها ضروری یکی از مهم‌ترین میدان‌ها برای جلب این نیروهاست.

نو سازی دستگاه دولتی پس از یک انقلاب مردمی از نو سازی کل جامعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جدا نیست. در یک دولت مردمی جایی برای بیگاری و بیگاران نیست. بداندان که مفتخواری و مفتخواریان نیز نمی‌توانند وجود داشته باشند. در جامعه‌ای که زائیده انقلاب مردمی است، بازوها و مفاها باید ببحرکت بیاندند استعدادها نباید به هدر بروند. کارمندان زائد دستگاه دولتی نیز از این حکم مستثنی نیستند. اگر در دستگاه دولتی برایشان کاری وجود ندارد، باید در رشته‌های دیگر وجود داشته باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق "اشتغال به کار" را برای تمام مردم ایران تضمین کرده است. در اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌خوانیم: "... دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید."

دو مرحله در سازندگی دستگاه دولتی

از آنچه گفتیم نتیجه می‌گیریم که: سازندگی دستگاه دولتی پس از یک انقلاب مردمی از دو مرحله مشخص می‌گذرد:

- ۱- پاکسازی
 - ۲- نو سازی
- هر دو این مراحل باید با توجه به اولویت منافع جامعه، در عین رعایت حقوق فرد با قاطعیت و عدالت انجام گیرد. قاطعیت در جهت حفظ منافع اجتماعی و عدالت در جهت رعایت حقوق فردی، باید با قاطعیت و وابستگی به رژیم سابق را پاکسازی کرد، در عین حال نمی‌توان به هرکس بدون رعایت عدالت بر حسب وابستگی زد. بر هیچکس پوشیده نیست که کاری بدین مهمی را نمی‌توان بدون ضابطه، قانون و مقررات انجام داد و اگر سلیقه‌های شخصی و گروهی در این مورد ملاک قضاوت قرار گیرد، چنان که در برخی از موارد قرار گرفته است، چه عواقب وخیمی می‌تواند به بار بیاورد، که کم‌ترین آن، به گفته آیت‌الله منتظری، سوءاستفاده انقلاب از وجود تصفیه‌شدگان است.
- در مرحله نو سازی دستگاه دولتی نیز باید با همین قاطعیت و عدالت عمل کرد. نمی‌توان به صرف این فکر که مردم باید "نان بخورند"، کار عظیم کاهش هزینه دستگاه دولتی را، که در سرنوشت تمام جامعه نقش مهمی دارد، عقیم گذاشت، در بقیه در صفحه ۶

های کارگری را به هیچ وجه نباید دست کم گرفت. کارگران و زحمتکشان خود با آگاهی کامل با چنین تحریکاتی مبارزه می کنند. دولت انقلاب و مسئولین نیز باید با حسن نیت و کوشش واقعی برای حل مشکلات به مسائل کارگران و کارکنان در کارخانه ها و کارگاهها برخورد کنند. تنها با این روش می توان در جهتی که به سود انقلاب و تقویت مبانی جمهوری اسلامی است، به حل مسائل اجتماعی، که مسائل کارگران و کارمندان، از اهم آنهاست، نائل آمد.

ضرورت تشکل سندیکائی و شورائی

در خاتمه نمی توان از تکرار تذکر و تأیید طرح کاملاً درست ضرورت تشکل سندیکائی و شورائی کارگران و زحمتکشان در کارخانه ها و کارگاهها از جانب کارکنان مبارز دخیانیات، در هشدارباش آنها، صرف نظر کرد. کارکنان مبارز دخیانیات در بیانیه خود، به همکاران خویش، اعم از کارگر و کارمند، به درستی چنین توصیه می کنند:

"شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر به ما حکم می کند که با تشکل سندیکائی و شورائی نقاضاهایمان را از طریق نهادهای قانونی و انقلابی با مقامات مسئول در میان گذاریم. این تشکل به ما امکان می دهد که در تصمیم گیری های خود مصالح انقلاب و جمیع کارکنان را در نظر داشته باشیم. همچنین تشکل سندیکائی و شورائی، مانع از نفوذ عناصر ضد انقلاب و ماجراجو در اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها می گردد."

مسئله تشکل کارگر و زحمتکشان متوجه اهمیت این توصیه ها هستند و برای تحقق تشکل سندیکائی و شورائی خود، که یک ضرورت قطعی در مرحله کنونی انقلاب بزرگ مردم ایران است سعی و مجاهدت به عمل می آورند، این سعی و مجاهدت ارزنده است، اما کافی نیست. ضرور است که ارگان های انقلابی، بویژه وزارت کار و امور اجتماعی نیز عمیقاً به اهمیت تشکل سندیکائی و شورائی زحمتکشان واقف باشند.

آزادی تشکل سندیکائی و شورائی زحمتکشان موجب می گردد که تشکل پنج میلیون کارگر و زحمتکش پستوانه انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و خلقی قرار گیرد. این تشکل قادر است انقلاب را از توطئه های گوناگون امپریالیسم تجاوزگر آمریکا و عوامل وابسته داخلی آن زهر قماش مصون دارد. باید راه چنین تشکلی را از نظر قانونی و همچنین حمایت دولت انقلابی از آن، از هر جهت هموار کرد.

با چنین مفاهیمی از جانب دولت و ارگان های انقلابی نسبت به تشکل سندیکائی و شورائی زحمتکشان مسلماً پیروزی قطعی و نهایی انقلاب تامین خواهد بود، زیرا دست توانای تشکل سندیکائی و شورائی زحمتکشان قادر است هر مانعی را از سر راه انقلاب بردارد و بویژه ضد انقلاب داخلی و حامیان امپریالیستی آن را به خاک بمالد.

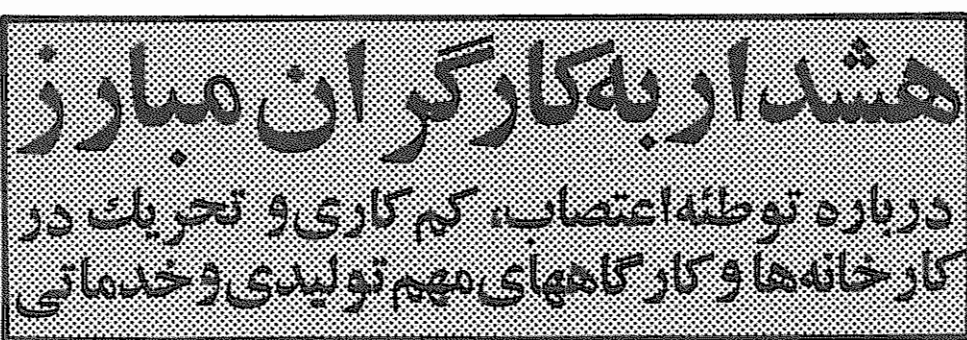
ثانیا، "همچنین مسئولین امور باید متوجه باشند که بیش از پیش در فکر برآوردن خواسته های قانونی و مشروع کارکنان این کارخانه باشند و بهانه به دست عناصر ضد انقلاب و توطئه گر ندهند."

برخورد درست کارگران و کارمندان آگاه دخیانیات

تردید نیست که باید با توصیه کارگران و کارمندان آگاه دخیانیات، چه به همکاران خود و چه به مسئولین امور، موافقت کامل داشت. فی الواقع هم کلید حل مشکلات گوناگونی که به علل مختلف، به ویژه بر اثر توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب برورده آن، و در مواردی هم ندانم کاری مسئولین امور، گریبانگیر کارگران و کارمندان بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی گردیده، به طور عمده همان دورویی است که کارکنان مبارز دخیانیات به درستی به آن اشاره کرده اند: از یک طرف کارگران و کارمندان باید صبر و شکیبایی به خرج دهند و تقاضاهای حقوقی و

خدمات هم اکنون وجود دارند کارگران و کارمندان آگاهی که به واقعیت توجه دارند. اینان بهجا و به موقع توطئه عوامل اخلالگر را افشا می کنند و شیوه های انقلابی و درستی را که کارگران باید در لحظه کنونی برای حل مشکلات خود در پیش گیرند، به همکاران خود ارائه می دهند. مثلاً در "هشدار گسرویی از کارکنان دخیانیات" به کلیه کارکنان مبارز و انقلابی این موسسه عظیم، به مناسبت حوادثی که در آن جریان دارد، چنین می خوانیم:

"میهن انقلابی ما شرایط بسیار حساس و دشواری را می گذراند. تجاوز نظامی صدام یزید آمریکا به جمهوری اسلامی جوان و انقلابی ما نتوانسته آرزوهای ننگین امپریالیسم هار و لجام گسیخته آمریکا را برآورده سازد. ولی سلسله توطئه های آمریکا جنایتکار تمامی ندارد. هم اکنون عمال داخلی امپریالیست ها، به یاری لیبرال ها و چپ نما ها، به موازات فعالیت علیه انقلاب و رهبری آن امام خمینی سعی در رکود هرچه بیشتر تولیدات صنایع داخلی نموده اند. آنها قصد دارند با این عمل کالاهای مورد نیاز مردم را در بازار با کمبود مواجه سازند و از این طریق،



به خیال خود، مردم انقلابی کشور را نسبت به انقلاب و دفاع از میهن انقلابی مایوس گردانند."

با چنین توضیح و برداشت صحیح از حوادثی که در سطح کشور می گذرد، و انعکاس آن نیز در دخیانیات دیده می شود، کارگران و کارمندان آگاه این موسسه به درستی به همکاران خود هشدار می دهند که وظیفه آنان در لحظه کنونی افتادن در دام تحریک کنندگان نیست، بلکه این است که "بویژه شیطان بزرگ را در این جبهه نیز به خاک بمالند و مانع از توقف تولید مایحتاج عمومی مردم شوند."

در همان حال که ابراز چنین بیداری و آگاهی نسبت به وظایف انقلابی خود از جانب کارگران و کارمندان دخیانیات، شایان تقدیر است، این توصیه آنان نیز به همکاران و مسئولین امور جالب دقت و توجه است که، اولاً خطاب به همکاران خود می نویسند:

"درست است که مطالبات ما مشروع و قانونی است، اما باید هشدار باشیم که تقاضاهای خود را به نحوی مطرح سازیم که ضد انقلاب نتواند از آن به نفع خود بهره برداری کند. ما میبایست دریابیم که با تولید دخیانیات، بخش مهمی از تقاضای جامعه را برآورده می سازیم و اقداماتی از قبیل خواباندن چرخ های کارخانه و مانعیت از خروج تولید آن، جز به نفع شیطان بزرگ و به ضرر انقلاب نیست."

وظایف مسئولین امور

توجه دقیق و سریع به حل مسائل در کارخانه ها و کارگاهها، به طریقه ای که در همین هشدار کارکنان مبارز و انقلابی دخیانیات به آن اشاره شده، و در پیش گرفتن راه های اصولی و اساسی دیگر، متناسب با وضع هر کارخانه و کارگاه چه از جانب کارگران و کارکنان و چه از جانب مسئولین امور، میتواند نه فقط انقلاب و کشور را از خطر حرکات نسنجیده اعتصابی مصون دارد، بلکه محققاً قادر است تا حدود زیادی به حل مشکلات کمک کند.

خطر به اعتصاب کشاندن و تحریک در محیط

اینجا و آنجا، جسته گریخته، عناصر مشکوکی در میان کارگران شایع می کنند که باید اعتصاب کرد، دست به کم کاری زد و با تحریک و تخریب، به اصطلاح حقوق قانونی را تامین نمود. زمینه این شایعات را البته گرفتاری های تشکیلی می دهد که به صورت بیگاری، کاهش حقوق و مزایا، همراه با گرانی، قرار گرفتن کارخانه ها در برابر خطر تعطیل به مناسبت کمبود مواد خام، نرسیدن به موقع دستمزدها و حقوق و نظایر آن دامن کارگران را گرفته و زندگی را بر آن ها سخت و دشوار ساخته است.

هشیاری کارگران

کارگران و همه زحمتکشان در تمام کارخانه ها و کارگاهها، با آگاهی که به عمق و ریشه پیدایش سختی های کنونی دارند و می دانند که این مشکلات زائیده توطئه های پی در پی امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، البته به شایعات و تحریک دشمنان وقتی نمی گذارند. کارگران و زحمتکشان به درستی، با نهایت صبر و بردباری، نه فقط مشکلات ناشی از توطئه های امپریالیسم و ضد انقلاب را در زمینه های سختی شرایط کار و معیشت خود تحمل میکنند، بلکه با کار بیشتر در محیط کارخانه و کارگاه، با تولید زیادتر و ارائه خدمات همه جانبه تر سعی در تقویت مواضع انقلاب، چه در جبهه جنگ و چه در پشت جبهه، دارند.

شیوه های آشوبگری ضد انقلابیون

با این حال شایعه سازان و ضدانقلابیون بیگار ننشسته اند و سلاح تحریک و ایجاد توطئه علیه انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی را زمین نمی گذارند. اینان با حادثه آفرینی در کارخانه ها و کارگاهها، با نیرداختن به موقع دستمزدها و حقوق و یا عدم تشریح علل دیرکرد پرداخت آن، با اخراج های غیر موجه و یا به کارگزاران عوامل مشکوک در کارخانه ها و کارگاهها، با جبهه گیری به سود سرمایه داران بزرگ و مخالفت با ملی شدن ها و تخریب در امر تولید و نظایر آن، ابتدا کارگران را عصبانی می کنند و سپس کارگران را به اعتصاب و بلوا و آشوب راهنا می شوند، تا نیت ضد انقلابی خود را برآورده سازند.

مثلاً در حال حاضر شایع است که کارگران دخیانیات، کارکنان شرکت واحد، کارخانه پارس آمریکا و یا کانداری و برخی کارگاه های نظیر به اعتصاب کشانده شده و یا می شوند. وقتی علل این اعتصابات و یا تدارک آن را بررسی می کنیم، مشاهده می کنیم که در اینجا و قطعا در جاهای دیگر، عوامل آشوب گرو ضد انقلابی هستند که می خواهند با طرح مشکلاتی که کارگران با آن روبرو هستند، نه برای حل این مشکلات، بلکه به منظور ایجاد آشوب و به سود مقاصد سیاسی ضد انقلاب از این مشکلات بهره برداری کنند.

کارگران آگاه هشدار می دهند

خوشبختانه در واحدهای بزرگ تولیدی و

کارگران اخراجی کمپوت سازی های مشهد باید به سرکار برگردند

در شرایط حساس کنونی، که میهن انقلابی ما درگیر جنگ با آمریکا و تجاوز جانی های عراقی است، در زمانی که کشور ما در محاصره اقتصادی امپریالیست ها قرار دارد، هنگامی که ما احتیاج به تولید بیشتر و نظم انقلابی در امر تولید داریم، باکمال تأسف و حیرت و کارخانه های کمپوت و کسروسازی مشهد، یکی پس از دیگری دست به اخراج کارگران خود زده اند، به این بهانه که قوطی ندارند و نمیتوانند مثل سابق به کار ادامه دهند.

تاکنون در چند کارخانه، از جمله کارخانه های: سوغات جدید، نوبرانه، قدس و چندین کارخانه دیگر، کارفرمایان دست به اخراج بیشتر کارگران زده اند.

اخراج کارگران به علت تعطیل کارخانه ها نیست، چون تا بحال هیچ یک تعطیل نشده اند، بلکه به این علت است که کارفرمایان می خواهند حداکثر کار را از حداقل تعداد کارگران بکشند.

کارگران می گویند: اگر این کارخانه ها قوطی ندارند، چرا دائماً کاری کنند؟ از طرف دیگر چندی پیش تعداد ده میلیون قوطی

نمایشگاه ضد امپریالیستی در سمنان



از طرف هواداران حزب توده ایران در سمنان، نمایشگاهی از جنایات امپریالیسم آمریکا و رژیم تجاوزگر صدام در نقطه این شهر ترتیب یافت. این نمایشگاه، که از روز ۵ تا ۱۱ آذرماه ادامه داشت، مورد استقبال مردم سمنان قرار گرفت.

کمک کارگران میادین بارفروش تهران و حومه به جبهه جنگ

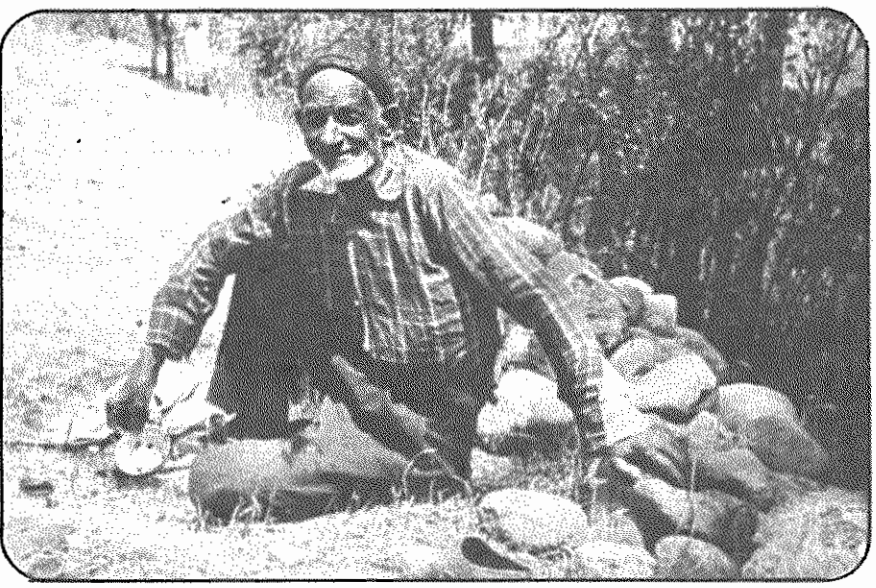
سندیکای کارگران میادین بارفروش تهران و حومه طی اطلاعیهای می نویسد: "ما کارگران میادین بارفروش تهران و حومه، طبق فرمان رهبر کبیر و بنیان گذار انقلاب جمهوری اسلامی ایران، تصمیم قاطع گرفتیم برای پیش برد اقتصاد مملکت در این موقعیت خطر جنگ تحمیلی امپریالیسم آمریکا و نوکر سرسپرده او صدام حسین کافر، که به ما تحمیل شده، ما کارگران میادین هم از استراحت ۲ ساعته قانونی بعد از ظهر خود

روستای نوازن: ما نه تنها با صدام، بلکه با امریکا در جنگیم

باتکیه بر نیروی پر توان روستائیان زحمتکش قانون اصلاحات ارضی را اجرا کنید!

روستای اشتریه، یکی از روستاهای بخش ظفرود است و در شهرستان قم قرار دارد. اهالی به کشاورزی و دامداری می‌پردازند. در روستای اشتریه یک دستگاه قالی بافی وجود دارد. کشاورزان اشتریه بصورت کارگر در اراضی مالکان بزرگ کار می‌کنند. بزرگ مالکان اشتریه در روستای دولت آباد نیز دارای اراضی وسیعی هستند. آن‌ها محصولات صیفی و غله را به صورت نصفه کاری تقسیم می‌کنند و فرآورده‌های باغ نیز به نسبت یک به پنج قسمت می‌شوند. در روستای اشتریه ۱۲۰ هکتار زمین دایر وجود دارد و وسعت اراضی بایر نیز بسیار زیاد است. عباس جاوید، یکی از کشاورزان، در این مورد می‌گوید: "زمین بسیار مرغوب زیاد است، و در صورتی که تقسیم شوند، ما تا حد جان در راه خود کفایی کشاورزی مملکت کوشش می‌کنیم." وی سپس چنین ادامه می‌دهد: "ما به خون ارباب تشنه هستیم. این‌ها سال‌ها خون ما را مکیده‌اند و حالا بعد از انقلاب از ترس آمده‌اند و برای ما یک حمام ساخته‌اند. اگر کمیته هفت نفری زمین‌ها را تقسیم کند، ما سالانه به بنیاد مستضعفین هر اندازه اضافه‌بر مخرجمان باشد، کمک می‌کنیم." حسین سالارمنش، یکی دیگر از کارگران کشاورزی، می‌گوید: "می‌توان از این زمین‌ها ۷۰۰ خوراک غله برداشت کرد و اینجا جای زندگی ۱۰۰ خانوار است. اگر قنات درست شود آب فراوان وجود داشته باشد، می‌توان اراضی زیادی را به زیر کشت برد. ولی عدم توجه ارباب‌ها و ظلم و جور آن‌ها باعث شده که از این روستای ۱۰۰ خانواری اکنون ۴ خانوار باقی بماند. اگر جهاد فقط یک حکم به ما

روستای نوازن با جمعیتی در حدود ۳۰ نفر (۸۰ خانوار) در ۳۲ کیلومتری شمال اراک در منطقه فراهان قرار گرفته است. تعداد خوش نشینان روستای نوازن است. در زمستان این عده که تقریباً اهالی را شامل می‌شوند، بیکارند. زحمتکشان نوازن نیز امسال چند برابر سال قبل زمین را کاشته‌اند، تا در این شرایط حساس به همین خود خدمت کنند. احمد رضا، یکی از جوانان زحمتکش نوازن، که راننده تراکتور است و در جهاد کار می‌کند، می‌گوید: "از سیاه تقاضا کردیم برای تعلیم نظا می‌بماند کمک کنند از طرف برادران سیاه به این‌جا آمدند مردم روستا را آموزش دادند." در باره تجا و ز رژیم خائن صدام، سردمسنی، باقی‌مانده‌ای را فروخته، می‌گوید: "اگر ما فقط با صدام طرف بودیم تا حال قورتش می‌آید، ما نه تنها با صدام، بلکه با امریکا در جنگیم."



در یکی از دهات آذربایجان شرقی هستیم. این دو عکس در یک روز گرفته شده، ولی حدود هشتاد سال عمر آنها را از هم جدا می‌کند. مصطفی، دهقان پیر، ۸۲ سال دارد. هشتاد سال جزء دهقانان بی‌زمین بود. حالا کمی زمین گرفته و جزء کم‌زمین‌ها به شمار می‌رود. علی‌رغم ۸۲ سال رنج و زحمت، پر از امید به آینده است. چشمانش گواهی می‌دهد و انقلاب لبخند بر لبانش نهاده است. این دو کودک چوپان هم یکی "آزاد" است که کلاه دارد و دیگری "فا من". بناچار باید دامداری کنند، اما می‌خواهند درس بخوانند. آزاد یک کلاس هم درس خوانده و می‌گوید: "اگر پدرم اجازه دهد، می‌خواهم درس را ادامه دهم." اگر شرایط زندگی اجازه دهد و امکانات باشد، آنها هم امیدوارند. بذر این امید را انقلاب در دل مصطفی ۸۲ ساله و آزاد ۷ ساله کاشته است. با توجه به اساسی‌ترین خواست‌های آنها و بویژه کوتاه کردن قطعی و کامل دست بزرگ مالکان و اجرای همه بندهای قانون اصلاحات ارضی، این بذر را بارور سازیم و انقلاب را تحکیم کنیم.



دهقان زحمتکش می‌گوید: "ما خودمان توی سر ارباب می‌زنیم... در صورتی که تقسیم شوند (زمین‌ها) ما تا حد جان در راه خود کفایی کشاورزی مملکت کوشش می‌کنیم." این حقیقتی است و باید به آن توجه جدی کرد. انقلاب بر نیروی پر توان این زحمتکشان تکیه دارد. نیروی پر توانی که می‌توان و باید با انکاء همان انقلاب را عمیق بخشید و دشمنان سوگند خورده آن را سرکوب کرد. هیئت‌های هفت نفری باید در اسرع وقت، با استفاده از این نیروی عظیم، به اجرای قانون اصلاحات ارضی اقدام کنند و سایه پلید غارتگران و توطئه‌گران را از زندگی آنان محو سازند.

اقدام انقلابی هیئت‌های هفت نفری موجب دلگرمی دهقانان می‌شود

روستای چوب‌تراش از توابع بکشلو چای، ۵۴۰ خانوار جمعیتی در حدود ۵۰۰ نفر، در ۱۲ کیلومتری ارومیه قرار دارد. کل اراضی قابل کشت روستا ۳۴۰ طناب است. هیئت ۷ نفری ارومیه فعالیت بسیار مثبتی نموده، که موجب امیدواری دهقانان و تقویت پشتیبانی آنان از انقلاب شده است. هیئت برای تشکیل شورای ده به دهقانان کمک کرده و اراضی ارباب ده را بین دهقانان بی‌زمین این روستا تقسیم کرده است. اکنون تامین آب زراعی دهقانان چوب‌تراش از رودخانه شهرچای مسئله مهمی را تشکیل می‌دهد، که اگر حل شود، به تولید فراوان تر و رضایت دهقانان منجر خواهد شد. سد روی این رودخانه ۲ سال است که خراب شده و دهقانان مجبور هستند که از ارباب سابق ده آب را ساعتی به قیمت ۴۰ تومان خریداری کنند. دهقانان می‌گویند: حالا که هیئت ۷ نفری به طور عادلانه زمین را بین دهقانان تقسیم کرده، ضروری است که در اختیار آنان دیگر امکانات کشاورزی از قبیل آب، کمک فنی و غیره گذارده شود، تا دهقانان بتوانند بطور موثر در جهاد کشاورزی شرکت کنند و با تولید

مقاومت مدتی است که بر سر زمینهای زروعی اختلافهایی میان زحمتکشان روستای وزیرآباد نوازن بروز کرده و حتی در مواردی به دو خوردهای جزئی نیز منجر گردیده است. گراین اختلافات وسیله هیئت هفت نفری هر چه زودتر حل شود، ممکنست تا ربه زد و خوردهای بیشتری نجامد. در بین زمین‌نیز وظیفه انقلابی مهمی متوجه هیئت هفت نفری است. زحمتکشان با هم برادرند و نفع مشترک دارند و باید علیه دشمن مشترک متحد شوند و برادران ساثل تولیدی و عیشتی خود را حل فصل کنند آن امریکا نه دهقان پیرمی - نویدبان در جنگ ست و عمال آن امریکای شیطان رفت، می‌خواهند ما جان هم بیفتیم و بتی درده نوازن و زیرآباد زد و خورد کنیم. خنثی کردن بین نوع توطئه‌های یک وظیفه انقلابی است. همه نهادهای انقلابی همه انقلابیون برای انجام این وظیفه انقلابی مسئولیت دارند.

زحمتکشان ما امسال دو برابر سال قبل کاشته‌ایم و اگر به ما زمین بدهند باز هم می‌کاریم

روستای دهلق در ۱۵ کیلومتری اراک قرار دارد و ۱۵۰ نفر جمعیت دارد. یکی از زحمتکشان روستا بنام محمدعلی اکبری در ارتباط با فرمان امام خمینی مبنی بر کشت هر چه بیشتر زمینها می‌گوید: "ما امسال دو برابر سال قبل کاشته‌ایم، و اگر زمین در اختیارمان قرار دهند، باز هم می‌کاریم." می‌پرسیم: آیا زمینی هست که شما بدهند؟ در جوابمان می‌گوید: "بله! در حدود ۱۰۰ هکتار زمین بایر داریم، که اگر تحویلمان بدهند، ما همگی حاضریم آنرا بکاریم." یکی دیگر از زحمتکشان دهلق، که عضو شورای ده است، در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: "مقداری زمین بایر در اطراف روستا بود، که وقتی خوش نشینان ده برای اجازه کشت به هیئت هفت نفری مراجعه کردند، به آنها گفتند که یک شرکت که چند نفر از دانشجویان تشکیل داده‌اند، زمین را اجاره کرده‌است، ما می‌گوئیم در شرایطی که خوش نشینان مایبکارند و آماده کشت هستند، چرا این زمین را بمانمیدند، ما می‌خواهیم هیئت هفت نفری بوضع ماریسیدگی کند." درباره آمادگی آنها برای نبرد با رژیم صدام مزدور می‌پرسیم. یکی از جوانان روستا می‌گوید: "این جاکسی برای تعلیم مانیا مده‌است، ولی چند نفر از اهالی روستا برای یاد گرفتن اسلحه به شهر رفته‌اند و تعلیم دیده‌اند، ما همه ما آن از خدا می‌خواهیم که بیایند این‌جا و ما را تعلیم بدهند." زحمتکشان روستای دهلق برای کمک به جبهه نبرد حق با باطل از نظر خواروار و پول کمکهای زیادی کرده‌اند. طرح واگذاری زمین به دیپلمه‌های بیکار، اگر زیر نظر دقیق و بر اساس تعاون واقعی باشد، طرح مثبتی است. نباید گذاشت بین این طرح و برنامہ اساسی واگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین تعارضی حاصل شود. در بسیاری از موارد میتوان بصورت مشاع یک تعاونی بزرگ و نیرومند و برخوردار از کمک‌های دولتی و نهادهای انقلابی تشکیل داد، تا همه نیروها، مشترکا، بکار افتد و بدون هیچگونه برخورد منافعی بین قشرهای زحمتکش و انقلابی، اعم از دهقان و دیپلمه بیکار، زمین‌ها بزیبر کشت برود و اقتصاد کشاورزی اعتلا یابد.

امام خمینی: بیه کشاورزان بگوئید ما نه طرفدار فتشودال هستیم نه طرفدار سرمایه‌دار.



از سینمای راستین انقلابی دربار سینمای ضد انقلابی دفاع کنیم

پس در حالیکه در دو سال گذشته سینمای انقلابی کم و بیش راه خود را گشوده است، هنوز فیلمهای ضد انقلابی در ایران نمایش داده میشود و فیلمهای انقلابی در میان تودهها توزیع نمیشود.

کنند، و مجاز شدن کلام کس و خشونت، تخریب و تحمیل بدست مخالفین اما سانسور اندیشه - های مترقی را - به ویژه در عرصه هنر، که گزند پذیرتر است - تا درست و مخالف با سرعت و منافع انقلاب و امری غیر اخلاقی می دانیم. این سانسور به خصوص در ماههای اخیر، با منگیبتر شدن مترقی و انقلابی سینمای اتحاد شوروی شده است، تا جاییکه فیلم ارزشمند "دن آرم" که معرفیت و اهمیت جهانی دارنده نسخه - اصلی آن هفت ساعت به طول می کشد، در تهران به صورت یک فیلم منتهی و سلاخی شده دوساعت در آمد! فیلمهای دیگری نظیر "چشم و یکمین، زنده باد لومومبا" انقلاب فرانسه نیز سانسور غیر مسئولانه در آمدن نامند. و تقریباً تمام صحنه های مربوط به فعالیت حزب کمونیست شیلی در "مارپیچ" حذف شده است. این عمل هیچ نافی جز منخ و تخریب آثار هنری و توجیه مستقیم به تماشای گریز از واقعیت انقلابی ما نیست. در کشور انقلابی ما، که قانون اساسی آن به صراحت سانسور را ممنوع شناخته و هیچ دستگاه رسمی برای بازبینی و سانسور فیلمها - از نظر سیاسی - وجود ندارد، مسئولان موظفند تنها از اشاعه فیلم های ضد انقلابی و غیر اخلاقی جلوگیری کنند.

فروتنانه و بی تظاهر عرضه می کنند. چنین شکردی در دو فیلم "اسما نخواست جهنمی" و "شهری در آتش" - که اخیراً در تهران به نمایش در آمده اند - به چشم می خورد. این هر دو فیلم - آمریکا بی هستند، با اینکه در تهران از پوسته های چپ اروپایی آنها استفاده شد. (ایضا، کلسک دیگری برای قالب کردن فیلم های آمریکا می! در فیلم های نظیر "شهری در آتش" میکوشند وحشت های غیر حقیقی و کاذب را جایگزین دلهره ها و نگرانیهای راستین بشر سازند. وحشت های موهومی نظیر سوانح طبیعی (زلزله، آتش سوزی و...) و حیوانات عجیب الخلقه (کینگ کونگ، آرواره ها و...) به عنوان مصیبت ها و فاجعه های چاره - ناپذیر و ما را "طبیعی نمایانگر" می شوند، و از آن آگاه راز دلهره های راستین بشری چون فقر، استثمار، جنگ، بی فرهنگی، نا برابری، عقب ماندگی و... که همگی از مغان امپریالیسم و نظام جهانی سرمایه داری است می شوند. فیلم "شهری در آتش" که در چند سینمای تهران به نمایش در آمده و به ظاهر هیچ رنگ سیاسی ندارد، بیش برنده - چینی - شگردی است.

استفاده از عواطف و علائق سیاسی - باید متذکر شد که - حربه - اساسی سینمای غرب برای جلب مشتری استفاده بی دریغ از سکس و خشونت است. اما از آنجا که در ایران انقلابی این حربه تا حد زیادی کند شده است، سینمای غرب - مشخصاً برای کشورهای در حال رشد و ضد امپریالیست - جانشی سیاسی راه - زورانه ترین شکلی به کار می بندد، نمونه - کاسل چنین فیلمی "قیام بردگان" است که هم اکنون در چند سینمای تهران به نمایش است. فیلمی که هر تصویر از او به از تحقیر و توهین نسبت به سیاه پوستان انباشته است، ولی با داعیه دفاع از بردگان سیاه به بازاری آید. در تمام تصاویر فیلم، سیاهان موجوداتی ترحم انگیز، "کله پوک" و نا متدین تصویر شده اند. "بردی" در واقع گناه "سرشت" ناپاک و فطرت "درجه دوم" آنها است! آخر امپریالیسم چه دفاعی دارد که از سیاه پوستان بکند، که برایشان فیلم "انقلابی" هم بسازد؟! بدیهی است که دوشگردی که بر سر مردم، تنها به شرط نا آگاهی و بی خبری تماشاگران کاربرد دارد، و می توان مطمئن بود که با نالافتن رشد سیاسی تماشاگران و تعمیق آگاهی اجتماعی آنان، و نیز دریافت دقیق ترشان از زبان سینما متذکران این دغاگران باز خواهد شد، چنانکه تاکنون در بسیاری موارد ناهوده ایم.

باز هم سانسور!؟

در این فرصت به جای دانیم که از پدیده - زشتی که در این واخرفضای سینمایی رآلوده است، یاد کنیم. سانسور فیلم های مترقی میسر است، زشتی است که طاغوت از خود به یادگار گذاشت، این ماهیت آن رژیم منسوس بوده که در پرتو حقیقت سفاکیهای خود را بر ملا و حاکمیت خائنانه خود را رسوا می دید، و از این روز رشد آگاهی و بیداری جلومی گرفت. آگاهانه چنین پدیده ای در نظام جمهوری اسلامی، که با آن نظام تفاوت بنیادی دارد، نارساو و ناجاست. ما سانسور اندیشه های مترقی در نظام انقلابی ما هیچ محل عینی ندارد و تنها به سود دشمنان انقلاب است. ما با بی بندوباری فرهنگی چنانکه "لیبرالها" مراد می -

در سالهای دراز پیش از انقلاب، سینما در مین ما، در ذهن توده های محروم و مستعبد مردم، با تحریف، تحمیل و تحریف فکری برآورد، و در یک کلام، به تعبیر امام خمینی، از وسایل اگلی "اشاعه فحشاء" شناخته می شد. رژیم منغور پهلوی، با سانسور شدیدی و نقیض خائنانه ای که داشت، "فرهنگ" را جز در قالب و محتوای مبتذل، منطوق و سفیخ آن نمی پذیرفت و سینما را نیز جز در چارچوب چنین "فرهنگی" حقیقت نیبده. چنین سینمایی بود که از نخستین روزهای انقلاب آماج خشم صدیق توده ها گردید. سیاست فرهنگی دولت "کلمه به گام" به هیچ روی پاسخگو نبود و شایسته ای بدین اعتراض پاک و خشمگین نبود. سینمای طاغوت با تمام جوانب و خواص جله پورانه و غیر انسانی در برابر دیدگان حیرت زده مردم انقلابی سرانگور برآورد و به جلوه گری برداخت لیبرالهای مقدس مآب، که به شدت نگران رواج فیلمهای مترقی و "القاء" اندیشه های انقلابی بودند، به یاری انحصارات سینمایی غربی شتافتند و به مراکز نمایندگی آنان امید و تمضمین فعالیت بخشیدند. از سوی دیگر، سودجویان و با زماندگان طاغوت، با علم کردن جنبه های تجاری "صنعت" سینما و نا چیز گرفتن رزهای فرهنگی آن، هر نوع فکر مخالفی را به عنوان هواداری از کرد و کردار تولیدی و صنعتی به یاد انتقاد گرفتند! این عادت دیرین و سرشتی سودگران است که از هر چیزی برای جیب خود "کالا" میسوزد و میسوزاند، حتی اگر گسترده تر و ترسناک تر - ترین ابزار فرهنگی هم مردم باشد.

با این وجود، سینما در گرو حمایت مشتری و وابسته به علایق اوست. در روزهای فداختی ما نماند دوران شاه ملمون - نوسانات سینما یکسره تسامح و هوسهای چند سرامه دارا فساد و شکم پرستی بود. اما در کشوری که مردم آن برای خود حق انتخاب آگاهانه می شناسند، کنترل بر آن رژیم و حتی تا حد زیادی روند تولیدی فیلم - ریز به طور غیر مستقیم، به اختیار خود در می آورند. و اردکنندگان فیلم، هر چند که با سرمایه های هنگفتی به میدان آمده باشند و از حمایت لیبرالها نیز برخوردار باشند، قادر نخواهند بود برای مدتی طولانی "کالا" های بی خاصیت خود را بر بازار تحمیل کنند. تماشاگران آگاه می توانند در محیط مناسبی که به برکت انقلاب پدید آمده است - خواستها، نیازها و علایق خود را بر بازار سینما حاکم کنند و سینما را - چنانکه باید - به قلمرو راستین فرهنگ بپار و انقلابی خویش بدل سازند. استقبال کم نظیر و غیر مترقبه مردم از دو فیلم ارزشمند "مادر و چگونه فولاد آبدیده شد" در ماههای اخیر شاهدی بر این مدعا است. اگرچه دولت انقلابی نیز با بدداری، میدان به کمک مردم بیاید و بی کنی کردن کامل بازرگانی خارجی انحصار کامل کالاهای وارداتی و از جمله فیلم خارجی را در اختیار خود بگیرد.

پاکسازی و...

بقيه از صفحه ۳
عین حال نمی توان عدالت را بر پا داشت و هزاران نفر را، بدون آنکه "بازار کاری" برایشان فراهم گردد، به کجوه ریخت. آنجا که سرپوش انسانها، خانواده ها و کودکان آنها در میان است، یک حکومت مردمی هرگز نمیتواند از روی سهل انگاری تصمیم بگیرد. برای احتیاج از کارها و تصمیماتی که بتواند در حال و با آینده به منافع جامعه و افراد لطمه نزند باید کلیه تدابیر مربوط به پاکسازی و نو سازی دستگاه دولتی، طبق اصول و ضوابط و برنامه های علمی انجام گیرد. در پایان اصولی را که در بالا شرح دادیم، فهرست وار تکرار می کنیم: ۱- پاکسازی در یک انقلاب مردمی امری ناگزیر است. نظریه لیبرالها که می توان از دستگاه دولتی سابق بهمان نحو استفاده کرد، قابل انطباق با انقلاب و حاکمیت مردمی نیست. ۲- پاکسازی، مقدمه ضرور برای نو سازی دستگاه دولتی است. ۳- هدف اصلی از این نو سازی، ایجاد یک دستگاه کارایی دولتی با حداقل هزینه است. ۴- شیوه اصلی برخورد با متخصصان در نو سازی شیوه افغان و تربیت است نه افعال زور. ۵- از کارسندان دولتی، که در حین نو سازی بیگاری می شوند، باید در کارهای مفید تولیدی استفاده کرد.

دو سال پیش به ۲۲۵۸۸۴ تن رسید. انتظار می رود که این رقم امسال به ۲۵۰۰۰۰ برسد. تولید شیر، که در سال ۱۳۴۱، ۱۱۲ میلیون لیتر بود، در سال ۱۳۵۱ ۱۶۱ میلیون لیتر بود، یعنی ۴۶۱ میلیون لیتر و در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۵۷۰ میلیون لیتر رسید.

بهداری و پزشکی

بهداری و پزشکی کوبا پیشرفته تر از همه کشورهای آمریکای لاتین است. خدمات پزشکی در کوبا به کلی رایگان است و هر ۶۶۹ کوبایی از یک پزشک بهره مند می شود. نرخ مرگ نوزادان، که در سال ۱۳۳۷، ۶۰ درصد بود، اسک به ۱/۹۳ درصد کاهش

هستند. پیش از پیروزی انقلاب در سه دانشگاه موجود تنها در ۲۴ رشته تخصص تربیت می شد. اکنون ۲۵ مدرسه عالی، کالج و دانشگاه در کوبا هست، که در آنها در ۶۹ رشته تخصص تربیت می یابد.

صنعت

جدول زیر رشد تولید برخی از فرآورده های صنعتی را در کوبا در دو دهه نشان می دهد:

فرآورده	۱۳۳۷	۱۳۵۷
فولاد	۲۴ هزار تن	۳۰۵ هزار تن (سال ۱۳۵۶)
برق	۳۹۷ هزار کیلو	۱۸۴۱ هزار



یافته است. از سوی دیگر، میانگین انتظار عمر از ۵۵ سال پیش از انقلاب به ۷۰ سال افزایش پیدا کرده است. این رقم برای زنان ۷۳ است.

امروزه در کوبا بیش از ۵۶ بیمارستان و ۱۳۱ درمانگاه روستایی وجود دارد، که از سوی ساکنان محلی اداره می شوند.

در حالی که در سال ۱۳۳۹، در بیمارستانهای دولتی و خصوصی ۲۸۵۳۶ تخت موجود بود، این شماره دو سال پیش به ۴۳۱۰۳ رسید.

در سال ۱۳۴۹، بیماری فلج در کوبا به کلی ریشه کن شد. مالاریا نیز در سال پیش از میان رفت. در سالهای اخیر تنها دو مورد دیفتی در کوبا دیده شده است.

در سال ۱۳۵۷، میانگین مشاوره پزشکی، برای هر نفر چهار بار در سال بود.

در ۳ مدرسه عالی پزشکی، ۷ مدرسه طبی و ۱۲ انستیتیوی پژوهشی کوبا سالانه بطور میانگین ۱۰۰۰ پزشک و ۲۵ دندانپزشک تربیت می شوند.

وات ساعت کلیوات ساعت سیان ۷۴۳ هزار تن ۲۷۰۰ (سال ۱۳۵۶) منسوجات ۶۰ میلیون ۱۵۰ میلیون متر

جدول زیر درصد افزایش تولید برخی از فرآورده های صنایع سبک را در سالهای ۵۷ - ۱۳۵۶ نشان میدهد:

فرآورده	درصد افزایش
مبل منزل	۱۳
لباس زیر	۱۵
پوشاک	۱۰
کفش	۸

کشاورزی

در کشاورزی کوبا اینک بیش از ۳۰۰۰ فارغ التحصیل دانشگاه و ۲۳۰۰۰۰ کادرفنی دبیرستانی اشتغال دارند. برداشت محصول نیشکر در سالهای ۵۷ - ۱۳۵۶ بیش از ۷/۳ میلیون تن بود، که پس از محصول ۴۹ - ۱۳۴۸ رکورد بشمار می رود.

میزان محصول مرکبات، که پیش از انقلاب نزدیک به ۶۰ هزار تن بود،

فرهنگ

از پیروزی انقلاب تاکنون، بیش از ۸۳ "خانه فرهنگ" در کوبا برپا شده است، که سهم به سزایی در برپایی بهرشد هنری و فرهنگی جامعه داشته اند. شماره کتابهایی که در سالهای پس از پیروزی انقلاب در کوبا به چاپ رسیده است، از رقم کتابهایی که پیش از آن در این کشور انتشار یافته بود، متجاوز است. تنها در سال ۱۳۵۷، ۴۶۶ کتاب گوناگون در ۴۲۵۶۰۷۰۰ نسخه در کوبا منتشر شد. در کوبا پیش از انقلاب صنعت سینما وجود نداشت و تنها پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۳۸ تاسیس یافت. در دو سال پیش، حداقل هفت فیلم طولانی و ۳۸ فیلم مستند در کوبا ساخته شده است.



آموزش و پرورش

پیش از پیروزی انقلاب، ۲۰ درصد مردم کوبا بیسواد بودند و میانگین سطح آموزش پایین تر از کلاس سوم بود. جنبش سوادآموزی در ۱۱ دی ۱۳۳۰ آغاز و در یکم تیر ۱۳۴۱ کوبا به عنوان کشور عاری از بیسوادی اعلام شد.

در سال تحصیلی ۳۸ - ۱۳۳۷، تنها ۸۱۱۳۰۰ کوبایی به مدارس و دانشگاهها می رفتند، که ۷۱۶۳ نفر را شاگردان دبستانها، ۸۰۰۰۰ نفر شاگردان دبیرستانها و ۱۵۰۰۰ نفر دانشجویان دانشگاهها تشکیل می دادند.

پس از پیروزی انقلاب، آموزش در همه سطوح رایگان شد. در سال تحصیلی ۵۸ - ۱۳۵۷، شماره شاغلان به تحصیل به ۲۵۳۵۰۰۰ رسید، که از جمله ۱۷۶۱۳۳۴ نفر را کودکان دبستانیها و دبستانیها، ۱۰۴۱۴۴۴ تن را دبیرستانیها و ۱۴۰۳۶۴ نفر را دانشجویان تشکیل می دهند. اینک تقریباً همه آموزگاران کوبایی دارای دانشنامه، دانشگاهی

«کتاب کهنه تزویر خواهد سوخت»

میان کوجهای رنج و هشیاری، دگر باره طنین غرش تدبیری پیچید تب ایثار میسوزد. سرباپای وجود توده ها را سخت روز روز افزون گلوی زخمی ایران، خروش عده سیر اوزان را وام می خواهد و مرزندان غیر متند، بر پر پرچم بالنده و وحدت، یکایک فافله سالار آزادی، بر اردوی رشادت گام می کوبند و ایام پشته ها از کشته میسازد. و در غرب و جنوب و شرق، حماسه میراید خون، جنوب! ای داغدار سرخویش! ای خاستگاه خشم زور افکن! به شربگاه گردان سلحشور پندوات سوگند: به زخم سینما سوگند! که تا عتق و غرور توده ها، بیگونه کوبنده است که تا پای رفیقان راهب شهر آینه است سرود سرخ تو سوزنده تر از آتش خمپاره های وحشی صدام، کتاب کهنه، تزویر ادرست آمریکا، ظفر مندا نه خواهد سوخت ناهید - آبانماه ۱۳۵۹

فرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

۶- پاکسازی و نو سازی دستگاه دولتی باید با عاطفیت و عدالت انجام گیرد. باید از کسانی که به دلایل ناوجه سیاسی پاکسازی شده اند، اعاده جت عمل آید.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست علی‌اکبر پروش تشکیل شد، کلیات طرح ملی کردن بازرگانی خارجی به تصویب مجلس رسید و از دولت خواسته شد که ظرف سه ماه قانون لازم برای این کار را تهیه کند. در آغاز این جلسه، موحدی ساوجی، نماینده ساوه، به عنوان اولین سخنران پیش از دستور، درباره اینکه چه کسانی ناراضی هستند، سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت: «باید دید قبل از انقلاب چه کسانی راضی بودند و چه کسانی ناراضی و بعد از انقلاب در اثر زحمات شبانه‌روزی نهادهای انقلاب چه کسانی راضی شدند، و چه کسانی ناراضی. قبل از انقلاب لاشخورها، سرمایه‌داران که از راه‌های نامشروع سرمایه گرد آورده بودند، ساواکیها... این‌ها بودند که قبل از انقلاب روی زانوفستی از رژیم پیشین راضی بودند، ولی اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران ناراضی بودند. کارگران، کشاورزان، توده‌های... مردم همه ناراضی بودند. اکثریت ملت ایران که دستگاه دهان و قلمشان را بسته بود، بعد از انقلاب آزاد شدند و حداقل در مسیری قرار گرفتند که به حقوقشان برسند. اما آن‌هایی که ناراضی شدند، همان‌هایی بودند که در دوره شاه چه کارها که نمی‌کردند. آن انگلیس ناراضی شدند».

بهبود وضع جبهه‌ها

دومین ناطق پیش از دستور نصراللهی، نماینده آبادان بود که بی‌امون مسائل جنگ سخن گفت. وی ضمن اشاره به وضع جبهه‌ها اظهار داشت: «از آغاز جنگ تاکنون تعدادی از برادران به دفعات مسأله را عمدتاً در ارتباط با ضعف و کاستی‌ها بیان کرده‌اند که به نظر من باره‌ای از واقعیت بود، ولی نتیجه‌گیری درست نشده است. اوضاع جنگ نسبت به روزهای شروع در بیشتر جبهه‌ها بسیار بهتر شده است، نظم و انضباط بوجود آمده، ضعف فرماندهی جبران شده... و پیشرویهایی سریع دشمن متوقف شده است. این می‌رساند که تمامی مسئولین در این مدت یکدست و تالش شبانه‌روزی کرده‌اند تا موفق شده‌اند ناراحتی‌ها و ناامیدی‌های روز اول را به امید تبدیل کنند».

نماینده آبادان سپس تأکید کرد که ضعفها و شکستهای موسمی در یک جنگ تعیین‌کننده سرسخت آن جنگ نیست. او افزود:

«ما از آغاز جنگ در هوا و دریا بر دشمن برتری کامل داشته‌ایم و در زمین کاستی‌هایی وجود داشته است که باید غلب آن را بررسی کرد. این‌ها معلول دخالت‌های استخبار جهانی به سرکردگی آمریکای جهانخواه است، که انقلاب ما به آن لطمه زده است».

دولتی کردن بازرگانی خارجی

پس از پایان سخنرانی‌های پیش از دستور، مجلس وارد دستور شد. قبل از ورود به دستور، علی‌اکبر پروش، نایب رئیس مجلس، ابتدا درباره بیساری حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، حمایت از مردم رزمنده خوزستان، تسلیت به آیت‌الله گلپایگانی توضیحی داد. وی آنگاه اعلام کرد که مجلس نیز به علت برقراری راهپیمایی‌های روز پنجشنبه، در این روز جلسه‌ای نخواهد داشت.

سپس طرح دولتی کردن بازرگانی خارجی برای شروع اول در مجلس مطرح شد و معصومی مخبر کمیسیون بازرگانی گزارش مربوط به این طرح را قرائت کرد. براساس این طرح پیشنهادی و در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، دولت مکلف است که ظرف سه ماه مطالعات لازم را برای ملی کردن بازرگانی خارجی، به عمل آورد. معصومی در این مورد گفت: «در دوره شاه کشور ما تک‌مصولی بود و حدود ۳۰۰ هزار قلم کالا وارد کشور می‌شد و کماکان تجارت یکی از سودآورترین کماکان بود. حال سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند آن سیاست قبل باشد و این کماکان باید بسته شود. بخصوص آنکه بعد از انقلاب سوء استفاده‌های زیادی شده. هم ارز زیادی خارج شده، هم در وارد کردن کالاهای ضروری مردم اخلال شده و هم عده‌ای سرمایه خود را از جریان تولید بیرون کشیدند و در راه تجارت انداختند».

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

کانال سود آور تجارت باید به روی سرمایه‌داران بزرگ بسته شود

کلیات طرح ملی کردن بازرگانی خارجی در مجلس تصویب شد

ملت خون می‌دهد، سرمایه‌دار خون می‌مکد. ملت کیسه‌ش در دست می‌گردد، سرمایه‌دار بزرگ کیسه پر از دستار می‌کند. سرمایه‌داران بزرگ ستون پنجم دشمن هستند که با احتکار کالاهای ضروری به کشور آسیب می‌رسانند. از وحدت انقلابی مردم برای اجرای طرح‌های انقلابی باید استفاده کرد.

گسترش تعاونی‌ها

هراتی افزود: «واضعه‌هایی که در مملکت هستند و هیچ نقشی در تولید کالا ندارند، زانوفستانه نقش ایالردن قیمت کالا را بر عهده دارند و وقتی بازرگانی دولتی شود و شبکه‌های توزیع در اختیار دولت قرار گیرد، از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها جلوگیری می‌شود. البته بعضی می‌گویند چون دولت شبکه توزیع در اختیار ندارد، نمی‌تواند کار را انجام دهد. در حالی که دولت می‌تواند با گسترش تعاونی‌ها و خودیاری مردم این مشکل را برطرف کند».

ناطق سپس خطاب به اولین مخالف طرح که محاصره اقتصادی را دلیل مخالفت خود آورده بود، گفت: «مسئله محاصره اقتصادی که ذکر کردید اتفاقاً دلیل تأیید این است که دولت در چنین شرایطی باید اقتصاد را در دست بگیرد تا ستون پنجم که در میان سرمایه‌داران نفوذ کرده، نتواند به انقلاب لطمه بزند. از این گذشته ما باید از وحدت انقلابی مردم استفاده کنیم و این وحدت به ما اجازه می‌دهد که طرح‌های انقلابی را پیاده کنیم و ممکن است این فرصت دیگر دست ندهد».

هشم صیغیان دومین مخالف طرح دولتی کردن بازرگانی خارجی بود.

عظاری دومین موافق این طرح‌ها سخنرانی اظهار داشت: «آنچه که آقای صیغیان گفتند درست است. شورای انقلاب مصوبه‌ای در همین رابطه دارد. اما حقیقت آن مصوبه چیز دیگری است. آن مصوبه اتحادیه‌های از تجار را بوجود می‌آورد که این‌ها جمع می‌شوند و از طریق این اتحادیه با کمک وزارت بازرگانی خارجی کار می‌کنند، یعنی مشترک می‌شوند. این ملی کردن بازرگانی خارجی نیست. چیزی که اینک این طرح مطرح می‌کند، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی است. در دوران کنونی واردات و صادرات تقریباً زیادی کرده است و ما باید در آن تجدید نظر کنیم. اگر دولت‌ها بخواهند اقتصادشان را از وابستگی نجات دهند، راهی جز این ندارند. اگر قرار باشد بازرگانی خارجی دولتی نشود، یک واردکننده، اگر محدودیتی برایش نباشد، می‌تواند هر کاری بکند».

قاجاق ارز زیر پوشش تجارت

وی سپس افزود: «در چنین شرایطی بیشترین کار را دولت می‌کند، ولی بیشترین سود را تاجر می‌برد و به‌صرف کننده اجناس می‌شود. صحبت از یک کاسب خرده‌پا نیست، صحبت از یک تاجر واردکننده بزرگ است که اگر قرار باشد آزادانه قیمت‌ها را بالا ببرد تأثیر بدی روی جامعه می‌گذارد... در حال حاضر قیمت‌ها هر روز بالا و بالاتر می‌رود و دولت باید برای کنترل دخالت کند. دولت مسئول است و باید دخالت کند. الان به‌خاطر همین جلوگیری نکردن، قاجاق ارز به‌وسعت زیاد صورت می‌گیرد و نجات با دستی که دراستاد خود بردند نتوانستند به این کار شکل قانونی هم بدهند. علاوه

لذا باید با کمک وزارت بازرگانی طرحی تهیه شود که فحایع و خرابیهای گذشته، با دولتی شدن بازرگانی خارجی، جلوی گرفته شود».

پس از سخنان نماینده کمیسیون بازرگانی، چند موافق و مخالف در ارتباط با این طرح سخن گفتند. اولین مخالف علم‌الهدا بود.

آنگاه هراتی به‌عنوان موافق سخن گفت و از جمله اظهار داشت:

«قانون اساسی که شالوده جمهوری اسلامی است، این مسئله را در ماده ۴۴ خود مطرح کرده است و اگر مجلس موفق شود در طول این ۴ سال قانون اساسی را در سطح جامعه پیاده کند، بزرگترین رسالت خود را انجام داده است. علاوه بر این، قاضین انقلاب ما سرمایه‌داران زانوفست و مفت‌خوارانی هستند که همانند عراق در زمین به شکل ستون پنجم‌دخالی با احتکار چه لطمانی را می‌خواهند به این کشور وارد کنند و ملت که خون می‌دهد آنها خون می‌مکدند. مردم کیسه‌های شن را برای سنگ می‌برند، این‌ها کیسه‌های برنج و گندم را احتکار می‌کردند. اگر ورود کالا به این صورت باشد به صنایع نوپای ما لطمه می‌زند. واردکنندگان بخش خصوصی افراد فرادی هستند که گرایش بسوی وارد کردن کالاهای مصرفی دارند و سعی دارند از این طریق به سودهای کلانی برسند و هیچ دلسوزی برای جامعه ندارند. این‌ها حتی می‌توانند کالاهای زیانبار را هم وارد کشور کنند. دولت نمی‌تواند وقتی بازرگانی در دست بخش خصوصی باشد، نظارت دقیق کند. این عدم نظارت می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد. فلان تاجر با یک تلفن قیمت کالایی را ده میلیون گران کرده است و این باری بر دوش طبقه مستضعف است».

در حاشیه مجلس

اندک اندک جمع گردد

وقتی موضوع امانت به ولایت فقیه مطرح شد، رنجبر، یکی از نمایندگان، گفت: «این توطئه‌ها باید در تفرقه خفه شود، اندک‌اندک جمع گردد...»

آیا همین بس نیست؟

هشم صیغیان هنگام طرح ماده واحده مربوط به دولتی‌شدن بازرگانی، اسرار داشت که مصوبه لازم در این مورد در شورای انقلاب به تصویب رسیده و همان کافی است. او از نمایندگان سؤال کرد: «آیا این بس نیست؟»

مخالفت با قانون اساسی

هنگام شروع بحث موافق و مخالف در مورد ماده واحده مربوط به دولتی‌شدن بازرگانی خارجی، یکی از نمایندگان گفت: «مخالفت با این طرح مخالفت با قانون اساسی است».

بر این از این‌ها مالیاتی هم گرفته نمی‌شود و باز مالیات به دوش مستضعفین است».

وی سپس تأکید کرد که باید کاری کرد که سرمایه‌هایی را که در راه واردات بنگار افتاده بود، در خدمت کشاورزی تولیدی گرفت.

آنگاه معصومی مخبر کمیسیون بازرگانی در جواب صیغیان گفت: «ما آن قانون را دیدیم، ولی اگر آن قانون پیاده شود، دولتی کردن بازرگانی خارجی به نفع‌های ما می‌رسد و به آن صورت به درد ما می‌خورد».

پس از توضیحات اسلامی، معاون وزارت بازرگانی، در مورد کلیات طرح دولتی کردن بازرگانی خارجی یعنی برای اینکه دولت باید ظرف ۳ ماه قانون مربوط به این کار را تهیه کند، رای گرفته شد که به تصویب رسید. پس از تصویب لایحه، مجلس به مدت یک ربع تنفس داشت و قسمت دوم جلسه با بحث در مورد حوادث اخیر شهرهای کشور آغاز شد. عده‌ای از نمایندگان با دادن یک طرح دوفوریتی خواستار رسیدگی سریع شورایی قضایی به حوادث اخیر کشور در شهرهای اصفهان، ... و ... شدند. آنگاه حجت‌الاسلام محمدخامنه‌ای در مورد لزوم دوفوریتی بودن این طرح توضیحاتی داد. وی گفت:

«ما اگر ما از این مسائل بگذریم، نظیر آن تکرار خواهد شد و عواقب ناگواری بدنبال خواهد داشت».

در مورد دوفوریتی بودن این طرح رای گرفته شد که به تصویب رسید.

اعتراض به اشیاء اسرار مملکتی

سپس موسوی علیه روزنامه انقلاب اسلامی، به دلیل انتشار اسرار امنیتی مملکتی، اعلام جرم کرد. در همین مورد نامه ۶۷ نفر از نمایندگان در اعتراض به انتشار اسرار مملکتی قرائت شد. در این نامه از جمله آمده بود:

«از آنجا که افشای اسرار کشور، خصوصاً هنگام جنگ خطرات عظیمی می‌تواند بدنبال داشته باشد، و مجلس شورای اسلامی به‌حکم قانون اساسی مخزن اسرار است و اصل ۶۹ قانون اساسی ناظر بر این مطلب است، لذا باید تریبی اتخاذ شود که حفاظت اسرار مجلس شورای اسلامی تضمین شود. اما برخلاف قانون اساسی و طبیعت سری بودن جلسات، متأسفانه مشاهده می‌شود که یکی از بزرگترین مسئولان و مجریان قانون اساسی، علیرغم محافظت از قانون اساسی، مسائل سری غیرعلنی مجلس را در چند نوبت، آنهم به‌صورت تحریف‌شده، در روزنامه انقلاب اسلامی، تحت‌عنوان کارنامه رئیس‌جمهور افشا نموده و علاوه بر آنکه دشمن قطعاً از مطالب منتشره استفاده می‌نماید، به‌علت تحریف مسائل مطروحه ارتقی، که از احترام خاص نمایندگان مردم برخوردار است، به مجلس شورا بدین خواهد شد. بدیهی است که این موضوع موجب شکاف بین ملت و ارتش خواهد شد و نتیجتاً ضربات جبران ناپذیری به انقلاب اسلامی و استقلال کشور وارد خواهد ساخت. لذا ما به حکم وظیفه دینی و قانونی خود خواستار آنیم که مجلس شورای اسلامی از شورا یعلانی قضایی و شورای عالی دفاع بخواهد این نقض آشکار قانون اساسی و افشاء اسرار حیاتی کشور، بخصوص در زمان جنگ و تضعیف مجلس شورای اسلامی تحت پیگرد قانونی قرار گیرد تا مسیبن آن از افشاء کننده و نشر دهنده مشخص و مجازات گردد».

پس از پایان قرائت این نامه، وقت جلسه مجلس نیز به اتمام رسید و اسامی غائبین قرائت شد.

جلسه بعدی مجلس امروز تشکیل می‌شود.

بیماری حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی

در جلسه دیروز مجلس علی‌اکبر پروش اعلام کرد که حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، به‌علت بیماری و انجام یک عمل جراحی بستری است. ما امیدواریم رئیس مجلس شورای اسلامی هرچه‌زودتر بهبود یابد و در جلسات مجلس حاضر شود.

آیت‌الله منتظری: آمریکا و دستیارانش به فکر کشودن جبهه جنگ در داخل صف ملت افتاده‌اند

دشمن توانسته است نیروهای انقلابی و مسئولان کشور را در خواب کند. در جراید کشور، بویژه در رادیو تلویزیون، پیوسته برخطر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا ضد انقلاب داخلی و لیبرالیسم تأکید می‌شود. رهبران سیاسی - مذهبی کشور بویژه امام خمینی، رهبر انقلاب، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با افشای توطئه‌های آمریکا و دعوت به وحدت، مردم را هشدار دادند و آماده نگیما کردند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی درنقدهای خود بر این جتباری و آمادگی می‌افزایند.

آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش که گاه ظاهر فریب است، افتاده‌اند و می‌افزایند و نا دانسته و ناخواسته در کنار ضدانقلاب قرار گرفته‌اند و میکینند. در کنار این اشکال گوناگون توطئه، که تاکنون دوسرجه آن پیاده‌شده و تدارک مرحله سوم نیز دیده می‌شود، اشکال دیگری از توطئه آمریکا ضدانقلاب نیز بطور بیسابقه‌ای وسعت گرفته است، که از جمله می‌توان تنها در استان گیلان از آنتزردن جنگل‌های شمال، ترور جوانان در حال گشت در لنگرود، حمله به‌سپاه پاسداران در رشت و اعتصاب‌های بی‌سواد فیسر شرق گیلان نام برد. با افزودن تبلیغات سازمان‌آور امپریالیسم خبری درباره اصطلاح تهاجم شوروی به لیبستان برای منحرف کردن ذهن از امپریالیسم آمریکا می‌توان شرایط امروز را باشمسه پیش مقایسه کرد و بی برد که در پس رویدادهای اخیر در سراسر کشور، بدون شک توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا برای نابودی انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران شکل می‌گیرد. از جانب دیگر، خوشبختانه انقلاب در شرایط جدید، بسا استفاده از تجربیات دو سال گذشته، در دام امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی نیفتاده و نیز بدام توطئه جدید امپریالیسم

توطئه هفتم ...

راه نزدیکی با کشورهای مترقی اسلامی برداشته است. توطئه ششم امپریالیسم آمریکا - تجاوز نظامی رژیم جنایتکار صدام علیه ایران - از نظر سیاسی کاملاً با شکست روبرو شده و از نظر نظامی به اهداف خود نرسیده است. اینک انقلاب در آستانه یک تغییر کیفی است. در نتیجه این تغییر وضع، امپریالیسم آمریکا، یکمک ضدانقلاب پرورده‌اش، توطئه هفتم خود را آغاز کرده است. توطئه جدید امپریالیسم آمریکا سه هدف اساسی دارد: ۱- تفرقه‌افکنی بین نیروهای انقلابی و مسئولان کشور، ۲- بدبین کردن توده‌ها به رهبر انقلاب، روحانیت مبارز و خط امام و نیروهای انقلابی مانند حزب توده ایران، ۳- ایجاد تشنج و درگیری در سراسر کشور برای فلج کردن زندگی. همه این‌ها باید زمینه را برای لحظه وارد آوردن شربه قطعی آماده سازد. توطئه جدید امپریالیسم آمریکا مانند حلقه‌های زنجیر، مرحله به مرحله به اجرا درمی‌آید: مرحله اول با جنجال درباره «آزادی» به اجرا درآمد: سخنرانی‌های مشکوک باشماره‌های شماره‌های مشخصه، سیاست خارجی ایران گام‌های مثبتی در

حجت الاسلام محمد خاتمی:

اول آمریکا بعد اروپای غربی علیه انقلاب ایران توطئه میکنند

حجت الاسلام محمد خاتمی سرپرست هیئت اعزامی جمهوری اسلامی ایران به ۶ کشور اروپایی (آلمان غربی- فرانسه- ایتالیا - اسپانیا- انگلستان و یوگسلاوی) عصر دیروز در یک مساجله مطبوعاتی شرکت کرد و به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفت. در این مساجله حجت الاسلام خاتمی ابتدا در مورد این سفر

و نتایج حاصله از آن توضیحاتی داد و متذکر شد که کشورهای اروپای غربی با اینکه تظاهر به قبول انقلاب اسلامی ایران می-کنند ولی در واقع انقلاب ایران را محکوم می کنند و علیه آن توطئه ترتیب می دهند. او در پاسخ یکی از خبرنگاران که پرسید، آیا سران کشورهای غربی از وقایع ایران مطلع هستند،



رهبران کنونی یکن، جنایات دوران «انقلاب فرهنگی» را تایید می کنند

رهبران چین اکنون بیش از پیش به جنایات دوران «انقلاب فرهنگی» و بعد از آن اشراف می کنند. هویانویانگ، که گفته میشود بجای هواگوفنگ، صدحزب کمونیست چین خواهد شد، در مساجله با چند روزنامه نگار یونانی، دوران «انقلاب فرهنگی» را در زمانی فاجعه آمیز برای چین خواند. وی گفت: در این دوران که از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶ به طول انجامید، مصیبت های بزرگی به کشور وارد شد و به اقتصاد، فرهنگ ضربات جبران ناپذیری وارد گردید. هویانویانگ درباره نقش مائو در این جنایات سکوت اختیار کرد. بسیاری از شخصیت های که هم اکنون در یکن محاکمه می شوند، گفته اند که در دوران «انقلاب فرهنگی» تنها نقش یک «ماسور» و «رستگار» را به عهده داشته اند.

اعتصاب غذای مبارزان، در زندانهای ایرلند شمالی

در زندان «منیر» در ایرلند شمالی، ۲۳ زندانی مبارز دیگر دست به اعتصاب غذا زده اند. این اعتصاب بعنوان همبستگی با ۷ زندانی مبارز دیگر، که بیش از چهار روز است دست به اعتصاب غذا زده اند، صورت گرفته است. این ۷ تن تقاضا دارند مانند زندانیان سیاسی با آنها رفتار شود، زیرا بخاطر مبارزه علیه اشغال اولستر «ایرلند شمالی» بوسیله نیروهای امنیتی بازداشت شده اند. دولت انگلستان حاضر نیست با این تقاضا موافقت کند، هر چند که زندگی این ۷ تن جدا در معرض خطر قرار گرفته است. از سوی دیگر، در چند روز گذشته، تظاهرات گسترده ای در ایرلند شمالی بعنوان حمایت از ۷ زندانی و مخالفت با حضور انگلیسی برپا شد.

یاسر عرفات سیاست امپریالیسم آمریکا در قبال خلق عرب فلسطین را محکوم کرد

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، سیاست دولت آمریکا در برابر مبارزه عادلانه خلق عرب فلسطین در راه دستیابی به حقوق مشروع خود محکوم کرد. وی طی بیاناتی در پایتخت لبنان خاطرنشان ساخت که، تبلیغات خصمانه امپریالیسم آمریکا علیه خلق فلسطین و یگانگی نماینده واقعی آن سازمان آزادیبخش فلسطین، زمینه مساعدی را برای وحشیگریهای نظامیان اسرائیلی فراهم میسازد.

ادامه کشتار مبارزان انقلابی در السالوادور

سختکوی کلیسای کاتولیک در سان سالوادور، پایتخت السالوادور، اعلام کرد که طی ۶ روز گذشته، بیش از ۱۴۴ تن در این کشور کشته شده اند. وی تاکید کرد که مسئولیت این قتلها به گردن ارتش و پلیس السالوادور است، که به دستور رژیم دست نشانده و وابسته به امپریالیسم آمریکامعمل میکنند. مفسران سیاسی محلی، در ارتباط با تغییرات در داخل دارو دسته نظامی السالوادور، به تشدید فشار و تضيیقات اشاره کرده و این جریان را یک کودتای واقعی شمرده اند. در همین زمینه، باید به احتمال روی کار آمدن محافل راستگرای تندرو در ارتش این کشور اشاره کرد.

Advertisement for 'Mardom' newspaper. It includes the title 'نامه مردم' (Mardom), the address 'ارگان مرکزی حزب توده ایران' (Central Organ of the Tudeh Party of Iran), and a list of subscription prices for various countries: West-Germany (0.80 DM), France (2 Fr.), Austria (8 Sch.), England (20 P.), Belgium (10 Fr.), Italy (350 L.), U.S.A. (40 Cts), Sweden (1.50 Skr.). It also mentions 'خوانندگان گرامی نامه مردم' (Dear subscribers of Mardom) and 'صدوق پستی' (Postage paid).

تظاهرات دانشجویان آلمانی علیه استقرار موشک های هسته ای در اروپای غربی

بیش از پنجاه هزار تن از دانشجویان، استادان و نمایندگان سازمانهای ترقی خواه آلمان فدرال علیه تصمیم پیمان نظامی ناتو در زمینه استقرار موشک های هسته ای در اروپای غربی، دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات، که در چند شهر بزرگ برپا شد، قلمنامه های در مخالفت با افزایش بودجه نظامی آلمان فدرال صادر کردند و خواستار افزایش این بودجه برای مسارف اجتماعی شدند.

پلیس برلین غربی تظاهرات مردم بی خانمان را وحشیانه سرکوب کرد

در برلین غربی، برای دومین روز، برخورد میان شهروندان بی خانمان و پلیس ادامه دارد. افراد پلیس وحشیانه به خانه های مردم آواره و بی مسکن در آنها سکنی گزیده اند، حمله کردند و با گاز اشک آور و پلوم آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. در نتیجه این اعمال وحشیانه، عده ای زخمی و ۶۰ تن بازداشت شدند. همچنین در برلین غربی تظاهرات پرجمعیتی به پشتیبانی از افراد بی خانمان، که تقاضا دارند دولت به آنها مسکن واگذار کند، برپا شد. اکنون کمبود مسکن در برلین غربی و آلمان غربی، به یکی از جداترین مسائل اجتماعی مبدل شده است.

بانو گاندی: دوستی هند و اتحاد شوروی بیش از پیش گسترش خواهد یافت

بانو ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، گفت که دیدار لئوئیف برزئف، رهبر اتحاد شوروی، از دهلی نو، قدرت و حزام ارتباطی کشور را مورد تاکید قرار داده است. خانم گاندی ابراز اطمینان کرد که روابط دوستی دو کشور بیش از پیش گسترش خواهد یافت. نخست وزیر هند که در پارلمان کشور سخن میگفت، پیشنهادهای اخیر لئوئیف برزئف در مورد صلح و آرامش و عدم مداخله قدرتهای بیگانه در خلیج فارس را «سازنده» خواند. خانم گاندی یادآور شد که دوستی هند و اتحاد شوروی علیه هیچ کشوری متوجه نیست.

سازمان ملل متحد با زهم اسرائیل را محکوم کرد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد به بحث های خود در مورد مساله فلسطین پایان داد. در اسنادی که بوسیله اکثریت قاطع اعضاء به تصویب رسید، بار دیگر لزوم تسریع در اجرای قلمنامه های سازمان ملل متحد در مورد حقوق ملت فلسطین، مورد تاکید قرار گرفت. در اسناد تصویب شده، از شورای امنیت خواسته میشود که تدابیر قاطعی در زمینه بازسازی اسرائیل به اجرای قلمنامه های سازمان ملل متحد اتخاذ کند. در یکی از قلمنامه ها تصمیم اسرائیل در مورد تبدیل بیت المقدس به پایتخت خود محکوم شده است. در قلمنامه دیگر تاکید شده است که موافقت نامه های جداگانه در خاورمیانه با برقراری صلح عادلانه در منطقه مغایرت دارد. آمریکا، مطابق معمول به این قلمنامه ها رای مخالف داده است.

نگرانی در اروپای غربی از سخنان جنگ طلبانه آمریکایی ها در مورد لهستان

خبرگزاری تاس از نیویورک گزارش داد که یک هیستری نظامی ضد شوروی در اطراف لهستان، در آمریکا دامن زده میشود. این خبرگزاری، به نقل از روزنامه های آمریکایی، می افزاید که هدف اعلامیه های تحریک آمیز کارتر و برژنفسکی آن است که تحولات از همه مرزهای منطقی فراتر رود. سخنان جنگ طلبانه بوسیله سخنگویان دولت کنونی آمریکا، هم در آمریکا و هم در خارج آمریکا، بویژه در اروپای غربی، نگرانی جدی بوجود آورده است. در اروپای غربی، این نگرانی وجود دارد که آمریکا تلاش می کند امنیت اروپا را نابود کند.

شوخی نیست...!

دکتر صادق قانعی متخصص «القاء ایدئولوژی»

مدتی است بیماری «آ ایدئولوژی» (آ - بمعنی کبوتر است) بصورت واکبر (ایدیمی) در کشور ما شیوع یافته و در مطب من غلغله است. من متخصص القاء ایدئولوژی هستم و غیر از دو نوع ایدئولوژی، که قبیل القاء نیستند، هر نوع ایدئولوژی که بیمار بخواهد، میتوانم به او القاء کنم، از جمله ایدئولوژی های شبه مارکسیستی، نیمه مارکسیستی، ضد مارکسیستی، ضداسلامی، شبه اسلامی، اسلامی آمریکائی، مائوئیستی، مائوئیستی افراطی چپ، مائوئیستی افراطی راست، بورژوازی، کلان-بورژوازی، نیمه بورژوازی، لیبرالی، لیبرال - مائوئیستی، نیمه لیبرالی، تمام لیبرالی، انقلابی، انتقالی راست، انتقالی چپ، فئودالی، فئودال-بورژوازی، بورژوا - فئودالی،... خلاصه انواع و اقسام و اشکال ایدئولوژی.

نام من «صادق» است، یعنی من صادق و با صداقت کار میکنم و اگر ظاهراً کلکی در کار من مشاهده شود، این کلک مربوط به شغل و حرفه من است و کسی نباید در صداقت من شک کند. و نام کامل من «قانع» است، یعنی من قانع هستم، نه فقط باین دلیل که پولپرزیست کم میگیرم و یا اصلاح نمیکنم، بلکه از این جهت که بیمار هر قدر ایدئولوژی بخواهد، همانقدر به او القاء میکنم. اگر کمش باشد، بعد دوباره رجوع خواهد کرد.

من متخصص القاء ایدئولوژی هستم، و چون تجربه هم دارم، میدانم که در نوع ایدئولوژی قابل القاء نیست: یکی ایدئولوژی اسلامی (سه هر اسلامی)، آن اسلامی که میخواهد به تن آمریکا، سرمایه داران بزرگ، فئودالها، محترمان، چپاولگران خارجی و داخلی نباشد؛ یکی هم ایدئولوژی مخصوص «توده ایها». این دو نوع ایدئولوژی قابل القاء به احدی نیستند. دارندگان آنها یک عمر زحمت کشیده اند، تا آنها را یاد گرفته اند و اگر هر متخصص القاء ایدئولوژی ادعا کند که از این دونوع ایدئولوژی میتواند القاء کند، دروغ گفته است. ولی در مورد این دو نوع ایدئولوژی کلکی بدم، که گاهی به کار میرم. این ترغیب حرفه ای من است. به آنها که ایدئولوژی اسلامی از نوع ضد استکباری دارند، میگویم: تو «توده ای» شده ای، تا یا از ایدئولوژی خود دست بردارو بدین وسیله ثابت کنی که «توده ای» نیستی، یا لابل «توده ایها» را فحش کاری کنی. در عوض به رهبر «توده ایها» هم لقب «آیت الله» داده ام و به «توده ای» میگویم: تو ایدئولوژی اسلامی را به عاریت گرفته ای، تا «توده ای» هم به سود مستکبران یا ایدئولوژی اسلامی مخالفت کند. اما تجربه تاکنون به من ثابت کرده است که این ترغیب حرفه ای من تقریباً هیچ تأثیری ندارد. اوایل کمی تأثیر داشت، یعنی برخی مسلمانان «توده ایها» را فحش کاری میکردند و هنوز هم برخی ها به اینکار ادامه میدهند. ولی مرتباً از تأثیر این ترغیب کاسته میشود.

من متخصص هستم و چون تخصص با تجربه و تحقیق ملازمه دارد، من دقتی دارم (دقت فلوری) که در آن خصوصیات بیمارمان نمونه وار از هر ایدئولوژی قابل القاء را، با میزان القاء پذیری آنها، یادداشت میکنم. تا سر فرصت آنها را مطالعه کنم و متخصص تر شوم. این دقت جنگ خیلی جالبی شده، و اگر یکی نکوئی، بر گهائی از آنرا برای شما نقل می کنم:

سه هفته پیش جوانی به مطب من مراجعه کرد (صفحه ۱۴۱ دفتر) و تقاضا کرد که دقتی ایدئولوژی لیبرالی به او القاء کنم. پرسیدم چکارهای؟ گفت کارگر. به او گفتم ایدئولوژی لیبرالی به تو قابل القاء نیست و او را فرستادم رفت. من میدانم چه نوع ایدئولوژی را به چه کسی میتوان القاء کرد. در دفتر (صفحه ۱۵۴) یادداشت کرده ام: مردی که سابقه بساز و بفروش داشته مراجعه کرده است. مزاج او خیلی استبداد القاء فقط به او حالی کردم که اگر این انقلاب پریشانه بگیرد، تو دیگر اگر پشت گوشت را دیدی، بساز و بفروش هم خواهی دید. گفت چکنم؟ گفتم نگذار با بگیرد. گفت چکنم؟ گفتم بلند بگو آزادی میخواهم (و توی دلت بگو برای بساز و بفروشی). با تشکر صمیمانه مطلب مرا ترک کرد. مردی که کارش خرید فلفل از پاکستان

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

دکتر صادق قانعی متخصص «القاء ایدئولوژی»